

صادق چوبک، ققنوس ادبیات ایران

به انضمام کتاب‌شناسی صادق چوبک

محمد رضا رهبریان*

خانه چال کرده بود و با این همه، شب از ترس اینکه اگر بیایند و این‌ها را پیدا کنند و او را آزار بدهند، خوابش نمی‌برد. به هزار حقه آن‌ها را درآورد و با خود به اینجا (آمریکا) آورد؛ اما در روزهای آخر عمرش، ناگهان به همسرش قدسی خانم گفت: همه‌شان را وردار بیار بسوزان» (براهنی، ۱۳۷۷ الف: ۱۱-۱۲).

این «متن‌سوزی» البته برای ادبیات و تاریخچه داستان‌نویسی ایران حسرت و دریغی بزرگ خواهد بود؛ اما خوشبختانه چند سند و مطلب منحصر به فرد از او بازمانده که خوانندگان و منتقدان را به بخش‌هایی از زوایای پنهان و ناشناخته چوبک نزدیک می‌کند و بر مبنای همین دو سه سند، می‌توان تا اندازه‌ای به برخی از دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها و ریشه‌های نویسندگی او دست یافت. هرچند باید یادآور شد که بسیاری از افکار و عواطف چوبک در لایه‌های نثر و محتوای آثارش نهفته است.

از جمله اسنادی که آگاهی ما را درباره چوبک مستند و مطمئن می‌سازد، می‌توان به زندگی‌نامه مختصر و ناتمام او به قلم خودش در دفتر هنر (۱۳۷۳: ۱۵۷-۱۶۲) اشاره کرد. این نوشته سرنخ‌های روشن و تازه‌ای پیش روی خوانندگان و مورخان ادبی می‌گذارد و از لابه‌لای آن می‌توان به گفته‌ها و نکته‌های ظریفی دست یافت. در این زندگی‌نامه خودنوشت، ما چوبک را یک بازرگان‌زاده مرفه در بوشهر آن زمان (۱۳۰۰ خورشیدی) می‌بینیم که همه امکانات زندگی برایش فراهم است و از فقر و فلاکت در زندگی‌اش خبری نیست؛ اما برخلاف زندگی واقعی‌اش، ما جهان داستانی او را آلوده و تلخ و پر از آدم‌های بدبخت و بدبین می‌بینیم. شگفت‌انگیز آنکه نویسندگی او که هرگز مرز بیچارگی را نچشیده، زندگی فاحشه‌ها، دوره‌گردها، پاپتی‌ها و گرسنگان آواره زمان خود را با قدرت و

متأسفانه از صادق چوبک (۱۵ تیرماه ۱۲۹۵-۱۳ تیرماه ۱۳۷۷) غیر از آثار داستانی، مطالب و دست‌نوشته‌های اندکی برجای مانده است. چوبک از هر جهت نویسنده‌ای خاص و مستقل بود؛ از نظر سبک داستان‌نویسی، نگرش به جهان داستان، توانایی زبانی و توصیفی و حتی خلق و خوی، که شخصی تودار و لب‌دوخته‌ای کناره‌گزین بود، هیچ نویسنده‌ای را نمی‌توان با او مقایسه کرد و برابر دانست. با وجود پیشتازی و نامداری‌اش در ادبیات داستانی هرگز دچار غرور و تکبر نشد. او علاقه‌ای به مصاحبه و مقاله نوشتن و شرکت در محافل نداشت. بنابراین اگر بخواهیم ردپای او را در آرشیو مجلات و مطبوعات دنبال کنیم، به نتیجه قابل توجهی نخواهیم رسید.

همکاری و فعالیت او در عرصه مطبوعات، تنها به مجلات سخن، کاوش و نامه مردم منحصر می‌شود. شمار نوشته‌های او در هر یک از این مجلات به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. چوبک در سراسر عمر در سکوت و انزوا زیست. هرگز حاضر به انجام مصاحبه نشد. حتی خاطرات و یادداشت‌های روزانه خود را که با کلی وسواس و دقت و امانت نوشته بود، یکبار در پایان عمر به دست آتش سپرد و سوزاندشان. شاید صادق چوبک اولین و تنها نویسنده ایرانی بود که روزنامه خاطرات داشت و به طریق دقیق روزانه به ثبت آن می‌پرداخت. بنابه گفته دکتر رضا براهنی «چوبک مدام خاطراتش را توی دفترهای بزرگ جلدکلفت و قطور، حرف‌به‌حرف و کلمه‌به‌کلمه می‌نوشت و مراقب بود که جوهر قلم فرار نباشد که مبادا در آینده کلمه‌ای محو و ناخوانا باشد. چوبک این دفترها را در شرایط دشوار تهران می‌نوشت و داده بود از آهن سفید صندوقی برایش درست کرده بودند و توی حیاط

نویسنده‌اش را صاف و صادق و با بی‌پروایی به رشته تحریر درآورده است. با این حال، از میان ده‌ها جلد یادداشت‌های شخصی خود، آن‌هم به اصرار و خواهش زیاد نزدیکانش، به انتشار همین چند صفحه بسنده کرده و هرگز نخواست و نگذاشت محتویات و اطلاعات یقیناً خواندنی و ارزشمند آن دست‌نوشته‌ها به جایی درز کند. این متن برای شناخت و رهیابی بیشتر به شخصیت صادق چوبک و نیز صادق هدایت درخور مطالعه و بررسی است.

مطلب سوم، تقریرها و خاطراتی است که دکتر صدرالدین الهی از چوبک در همان دفتر هنر (ویژه چوبک) منتشر کرده است. البته چوبک تا آن نوشته‌ها را کلمه‌به‌کلمه از زبان صدرالدین الهی نشنید و در صورت لزوم آن‌ها را پس‌وپیش نکرد، اجازه چاپ نداد. این متن نیز دربردارنده دیدگاه‌ها و چند و چون زندگی و شخصیت چوبک است و برای شناخت و چهره‌شناسی وی بسیار ارزنده و قابل اعتنا است.

مطلب دیگر و شاید تنها مصاحبه‌ای که از چوبک به یادگار مانده که آن‌هم به سبک معمول روزنامه‌نگاری نبوده، گفت‌وگوهای خودمانی نصرت رحمانی با صادق چوبک است؛ مطلبی که نصرت رحمانی عنوان مصاحبه بر آن گذاشت و با عنوان «درازیای سه شب پرگو» در روزنامه *آیندگان* (۸ بهمن ۱۳۴۸) منتشر کرد. هرچند چاپ آن گفت‌وگو باعث رنجش و گله‌مندی چوبک شد ولی برای رهیابی و نزدیک شدن به زندگی و اندیشه او لازم و سودمند است. می‌توان دلایل متفاوتی برای اینکه چرا چوبک در سکوت و گوشه‌گیری فرو رفت و اینکه هیچ مصاحبه‌ای نکرد، یادداشت‌هایش را به چاپ نسپرد و حتی وصیت کرد جنازه‌اش را پس از مرگ بسوزانند، مطرح کرد. دکتر رضا برهانی از نخستین و بهترین چوبک‌شناسان زمانه در مقاله‌ای سه‌بخشی با عنوان «تجدد و روایت حرام‌زادگی در آثار چوبک» که به سال ۱۳۷۷ در مجله *آدینه* منتشر شد، به روان‌کاوی و روان‌شناختی این «خودسوزی» و «متن‌سوزی» پرداخت.

اینکه کسی بتواند با همه *لذت* و *کِششی* که شهرت و آوازه‌جویی دارد، با سماجت تمام، این حس را در خود خاموش نگه دارد، دشوار و ارزشمند است. کمتر کسی یافت می‌شود که بتواند از سوسه‌ها و جاذبه‌های شهرت برکنار بماند. معمولاً اهالی قلم و اندیشه، خوش دارند همیشه در صدر کانون‌ها و محافل ادبی و هنری قرار بگیرند و سکوی *پَرش* این کار را در مصاحبه‌های جنجالی و نقدهای پر سروصدا می‌یابند. هرچند نباید منکر ارزش‌ها و ضرورت‌های مصاحبه شد. بی‌گمان از لابه‌لای مصاحبه‌ها است که می‌توان روند کاری یک شاعر و یا نویسنده را شناخت و به دیدگاه‌ها و نظریات او نزدیک شد. به هر حال، اگر نگاهی به مقاله‌شناسی و نمایه ادبی شاعران و نویسندگانی نظیر احمد شاملو، اخوان ثالث، فروغ فرخ‌زاد، سایه، سیمین بهبهانی، نادر نادرپور، نصرت رحمانی، بزرگ علوی، هوشنگ گلشیری، بهرام صادقی، غلامحسین ساعدی، رضا برهانی، محمود دولت‌آبادی و صدها شخصیت سرشناس دیگر بیندازیم، شاهد ده‌ها گفت‌وگو، مقاله و جدال‌های ادبی و قلمی از آنان در مطبوعات خواهیم بود.

دقت حیرت‌آوری توصیف می‌کند. بی‌گمان این توانایی، بیانگر استعداد و دقت نظر و قدرت دریافت نویسنده است. آدم‌های قصه‌های چوبک، ربطی و نسبتی به شخصیت نویسنده ندارند. به قول منوچهر آتشی: «پس اگر شما داستان‌های کوتاه سرشار از تلخی‌های زهر آگین او را می‌خوانید و مضامین - به اصطلاح گروهی نادان - مستهجن در آن‌ها می‌بینید، جای هیچ تعجبی ندارد و نباید آن را بر اخلاق شخصی او نسبت داد، که چوبک انسانی بود آرام، بزرگوار، پرهیزگار و به دور از همه فسادها؛ اما او نقاش بود، نقاش جامعه‌اش و گزیری نداشت جز اینکه واقعی‌نگاری تلخ خود را به جامعه‌اش عرضه کند» (اصلانی، ۱۳۸۳: ۱۱).

در همین خودنوشت کوتاه، چوبک اشاره‌ای به حیوان دوستی و انسش با یک میمون در منزل پدرش در شیراز می‌کند و اظهار می‌دارد که پیوندی ملموس با این حیوان داشته و تنها همدم تنهایی‌اش بوده است. سال‌ها بعد، همین میمون دستمایه یکی از بهترین داستان‌های او در *تتری* که *لوطی‌اش* مرده بود می‌شود. اشاره به همین نکته، نشان می‌دهد که چوبک ذاتاً حیوان دوست و از کودکی با حیوانات مانوس بوده است؛ اما این نکته نیز گفتنی است که توجه چوبک به حیوانات در داستان‌هایش، نه از آن دست حیوانات غرق در ناز و دست‌آموز و ملوس آدم‌هاست، بلکه او توصیف‌گر حیواناتی است که اغلب گرسنه و بی‌پناه‌اند و یا از دست انسان چزانده می‌شوند.

متن دیگری که باز به قلم خود چوبک منتشر شده، خاطرات او از صادق هدایت است که با عنوان «سفر مازنداران و چند یاد دیگر از صادق هدایت» در دفتر هنر (شماره ۶) منتشر شده است. چوبک شاید از نادر کسانی بود که دوستی و روابط بسیار نزدیک و بی‌ریایی با صادق هدایت داشت و بیش از هر کس دیگری می‌توانست درباره این نویسنده بزرگ سخن بگوید. او در آغاز همین خاطرات می‌نویسد:

«از زمانی که صادق هدایت از این جهان رفته، من تاکنون یک کلمه درباره او نوشته‌ام. هرچند مقاله‌ها و یادبودنامه‌هایی درباره او بیرون آمده است. هر کدام از من خواسته‌اند مطلبی درباره هدایت بنویسم، عذر خواستم...» (دهباشی، ۱۳۸۰: ۵۹۳).

و در ادامه آورده است:

«به قدری درباره هدایت چیز می‌دانم که هر وقت دست به نوشتن می‌زنم از هر گوشه قلم و ذهنم یادی می‌تراود» (همان، ص ۵۹۵).

مطالب این نوشته چندصفحه‌ای، حاوی نکات ادبی، تاریخی و تکان‌دهنده است. این یادداشت، احوال دو نویسنده در سفر شمال ایران که آن زمان در اشغال روس‌ها بود و دیدار و برخوردشان با کسانی چون دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر کامبخش، غلامحسین بنان، دکتر شهید نورایی و دیگران و نیز بیزاری و نفرت هر دو از سیاست و اوضاع زمانه را نشان می‌دهد. نحوه خودکشی هدایت و دلایل آن و ویژگی‌های اخلاقی و فکری هدایت، از نکات ریز و ناگفته دیگری است که چوبک در نوشته خود بدان پرداخته است. وی به‌راستی در آن نوشته روحیات و خلیقات خود و دوست

شاید در میان نویسندگان و شاعران نامی معاصر دو سه چهره باشند که نه تنها مست و مجذوب شهرت نشدند، بلکه از آن سخت گریزان بودند. صادق چوبک و سهراب سپهری (۱۳۰۷-۱۳۵۹ ش) در این زمینه وجوه مشترک و یگانه‌ای دارند. در یک نگاه تطبیقی، با وجود تفاوت‌های فاحشی که در سبک و زبان و نگاه هنرورانه آنان دیده می‌شود، می‌توان چند ویژگی شاخص و برجسته این دو چهره را در کنار هم گذاشت و نشان داد. در این نوشته به‌اجمال به برخی از نکات و نمونه‌های مشترک می‌پردازیم.

یکی از ویژگی‌های متمایز چوبک و سپهری، کم‌گویی و گزیده‌گویی است. کارنامه ادبی و هنری این دو هنرمند، گویای آن است که این دو برخلاف شاعران و نویسندگان هم‌نسل خود و بسیاری از اهالی قلم، در پی کوشش‌ها و آفرینش‌های پردامنه و چشمگیر در زمینه‌های گوناگون ادبی نبودند و از شهوت نویسنده‌گی و پرگویی دوری می‌کردند. چوبک داستان‌نویس، جز شش مجموعه داستان (نزدیک به ۱۵۰۰ صفحه) و سه ترجمه، اثر دیگری ندارد و سپهری شاعر، جز یک مجموعه شعر به نام هشت کتاب (۴۷۵ صفحه)، خاطراتش در کتاب *اتاق آبی* و نیز تعدادی تابلوی نقاشی آثار دیگری در کارنامه هنری خود ثبت نکرده است. آنچه هم از آن دو به‌یادگار مانده، چندان پربرگ و گسترده نیست؛ اما با وجود همین کم‌گویی و گزیده‌کاری، نامی بلند از خود برجای گذاشته‌اند. این توفیق بی‌گمان حاکی از استعداد درخشان و مایه هنری و ذوق لطیف و پرورده چوبک و سپهری است. هر چند باید یادآور شد که همه آثار چوبک و سپهری از گونه‌های برجسته، تازه و دلخواه نیستند و گاه نوشته‌ها و سروده‌هایشان در دسته آثار سست و ناتندرست جای می‌گیرند.

از دیگر وجوه مشترک چوبک و سپهری، رفتار و خوی و خصلت فردی آنان است که در خصوصیات چوبک «فروتنی»، «تنهایی» و «دوری از خودنمایی» مشاهده می‌شود. چوبک اهل مصاحبه نبود و به قول حافظ «از مصاحب ناچنس احتراز» می‌کرد. هر کسی که به قصد مصاحبه نزدش می‌رفت، نه تنها دست رد بر سینه او می‌زد بلکه اجازه هر نوع یادداشت‌برداری و گرفتن فیلم و عکس را نیز به کسی نمی‌داد. چوبک تنها یک بار از دست نصرت رحمانی رودست خورد و بدون آگاهی او صحبت‌های خودمانی‌شان را به‌عنوان مصاحبه در نشریه‌ای چاپ کردند و گویا چوبک تا پایان عمر، نصرت رحمانی شاعر را نبخشید. او در کمتر محفلی شرکت می‌کرد. با وجود این، اگر در جمعی حضور می‌یافت، کمتر حرف می‌زد و فوق‌العاده محجوب بود. سال‌ها پیش، زمانی که چوبک هنوز ایران را ترک نگفته بود، مجله بنیاد در یادداشتی کوتاه، خلق و خوی چوبک را این‌گونه گزارش داده است:

«صادق چوبک، کمتر در محافل و مجالس آفتابی می‌شود، ولی گاهی اوقات می‌توان او را حوالی ظهر در رستوران ریوبرای قوام‌السلطنه ملاقات کرد. با اینکه از بحث‌های روشنفکرانه به‌شدت پرهیز می‌کند اما دوستداران شاعر و نویسنده خود را با گرمی و مهربانی پذیرا می‌شود و قبل از هر چیز از زندگی و حال و احوال آن‌ها پرس‌وجو می‌کند. گارسن ریوبرا می‌گوید:

در بین روشنفکران، چوبک از همه ساکت‌تر و متین‌تر است» (بنیاد، ۱۳۵۶: ۵۵).

چوبک عضو هیچ حزب و گرایشی نشد. وقتی در سال ۱۳۳۴ ش/ ۱۹۵۵ م به او پیشنهاد ریاست بخش فارسی صدای آمریکا را دادند، با همه امتیازات چشمگیری که داشت، احساس کرد آن کلاه برایش گشاد است و نپذیرفت. چوبک همانند همتای خود صادق هدایت، از معدود روشنفکرانی بود که به‌رغم تمایلات ضداستبدادی و عدم تمایلات مذهبی، گرفتار وسوسه حزب توده نشد و هرگز به آن نیویست (میلانی، ۱۳۸۰: ۱۱۱). وی در جواب عبدالحسین نوشین که «وعدۀ اهدای مدال ماکسیم گورکی را در ازای پیوستن به حزب توده داده بود، گفت: نه و در برابر اعتراض او که صادق خان را طرفدار مکتب هنر برای هنر خوانده بود، پاسخ داد که: مگر تولستوی رمان جنگ و صلح را برای حزب کمونیست نوشته است؟» (الهی، ۱۳۷۳: ۲۶۰).

همچنین آن‌گاه که رضا براهنی از او خواست که به کانون نویسندگان ایران بپیوندد، در پاسخ گفت:

«به کسانی که علیه زور و قلدری مبارزه می‌کنند، احترام می‌گذارم، ولی من فقط می‌نویسم، در ذاتم نیست که چیزی در کنار کسی دیگر امضا کنم» (براهنی، ۱۳۷۷ الف: ۱۲).

چوبک چندان علاقه‌ای نداشت که ببیند دیگران درباره نوشته‌هایش چه می‌گویند. وقتی نصرت رحمانی از او می‌پرسد که چرا از کسانی که درباره کارهایش به‌غلط یا صحیح نقد نوشته‌اند حرفی نمی‌زند، می‌گوید:

«این به من مربوط نیست، هر کس از دیدگاه خویش می‌نگرد، می‌اندیشد، عمل می‌کند یا می‌نویسد، روی هم‌رفته به من مربوط نیست درباره آثارم چه می‌گویند یا چگونه بهره می‌جویند. اگر اثری توانستم به وجود آورم که احساس کردم لایق انتشار و ارائه دادن است، کار خود را انجام خواهم داد؛ در اینجا کار یک نویسنده به‌نظر من پایان می‌گیرد؛ اما قلم‌زنانی که علیق مطبوعات را تهیه می‌کنند و انبوهی از این موجودات که چون زالو خون آثار دیگران را می‌مکنند بی‌آنکه کمترین دانشی داشته باشند، به خود اجازه دخل و تصرف در هر کاری را می‌دهند. باید بدانند که من خوراک مطلوبی برای مطبوعات نیستم و نمی‌خواهم باشم» (رحمانی، ۱۳۷۳: ۱۹۷).

و باز وقتی نصرت رحمانی می‌خواهد نظر چوبک را درباره آثارش به‌ویژه سنگ صبور بداند، عکس‌العمل او را چنین بازگو می‌کند:

«صادق درباره آثارش کمتر حرف می‌زند، اما چنان سخت به او پیچیدم تا توانستم این چند جمله را از لابه‌لای سنگر دندان‌هایش بیرون آورم. باری گفت: سنگ صبور برخلاف نوشته‌های دیگر چون شعر دارای کلید مفتاح است. باید سمبول‌ها را شناخت، از گذشته آگاه بود، باید گذشته، زمان و مکان و فضا همه چیز را در نظر گرفت، در هر خط صفحه آن گرهی خفته است. کلید مفتاح در خم این سمبول‌ها، این گره‌هاست. پس از چنین شناختی آن‌وقت رمزها آشنای آن، آشنا خواهد شد، تازه آن وقت است که

خواهی فهمید سنگ صبور یعنی چه... اگر من به کتابی ببالم به سنگ صبور است!» (همان، ص ۲۰۱).

سهراب سپهری نیز در طول حیات شاعری خود همانند چوبک، از هر نوع معرکه‌گیری و حضور در محافل فراری بود. هیچ مصاحبه‌ای نکرد، در کمتر جلسه‌ای آفتابی شد و نسبت به هیچ حزب و دسته‌ای دلبستگی نشان نداد. او عاشق طبیعت بود و این عشق به طبیعت در تمام آثار او، چه تابلوهای نقاشی و چه سروده‌هایش به‌گونه‌ای صادقانه نمایان است. وی از زندگی ماشینی گریزان بود و بیشتر اوقات خود را دور از شهرها و در دامان طبیعت سپری می‌کرد. این شاعر کم‌سخن، خجول و خلوت‌نشین، جدا از چاپ شعر و چند ترجمه شعر، حتی یک نقد و مقاله هم از خود در هیچ نشریه‌ای بر جای نگذاشته است؛ جز نامه‌ای در موضوعی غیرادبی که جنبه انتقادی و پیشنهادی داشت و برای چاپ به یکی از نشریات ورزشی (کیهان ورزشی، فروردین ۱۳۵۱) در خصوص مسابقات فوتبال در امجدیه فرستاده بود. گفته می‌شود سپهری حتی به هنگام برپایی نمایشگاه‌های نقاشی خود، در آنجا حضور نمی‌یافت و از اینکه درباره آثار خود برای بازدیدکنندگان چیزی بگوید و یا توضیحی بدهد، پرهیزی سرسختانه داشت و شگفت‌انگیزتر، دوری و خودداری او از هر گونه گفت‌ووشنود و حضور در کانون‌ها و محافل ادبی بود.

تا آنجا که اسناد و خاطرات ادبی نویسندگان و شاعران هم‌نسل او گواهی می‌دهد، سپهری در هیچ‌یک از شب‌های شعر، انجمن‌ها و محافل داغ زمان خود شرکت نکرد. این درحالی بود که حضور در پاتوق‌های روشنفکری مثل «کافه فردوسی»، «کافه فیروز»، «کافه نادری» و جز آن‌ها که محل تجمع روشنفکران دهه‌های مختلف بود یا شرکت در شب‌های شعر «خوشه» و «گوته» و غیره برای اهل قلم و هنرمندان آن دوره، حادثه‌ای مهم و فرصتی مناسب تلقی می‌شد. آنان اغلب با افتخار و شاید به قصد خودنمایی و یا دست یافتن به زدوبندهای ادبی، پیوسته یا گاهی اوقات در این اجتماعات شرکت می‌کردند؛ اما سپهری با وجود دعوت‌های بی‌پایی که از او می‌شد، «تنهایی» و سیر در حال‌وهوای شاعرانه خود را بر هر جمع و جدالی ترجیح می‌داد. اخلاق نجیبانه و فروتنانه او به اندازه‌ای بود که حتی شعرهایش را در مهمانی‌های بسیار دوستانه و خودمانی هم نمی‌خواند. جلال خسروشاهی از دوستان دیرینه و بسیار نزدیک سپهری در خاطره‌ای یاد می‌کند که وقتی در یک شب‌نشینی با حضور فروغ فرخ‌زاد، بیوک مصطفوی، منوچهر شیبانی و چند دوست دیگر، از سپهری می‌خواهند که شعر «گل کاشی» اش را بخواند، سهراب چنین عکس‌العملی داشت:

«او بهانه آورد که هیچ‌کدام از شعرهایش را حفظ نیست و بعد سعی کرد موضوع صحبت را عوض کند و کاملاً معلوم بود که اهل شعرخوانی نیست و با آن حُجب مخصوص به خودش و آن لب‌خند نجیبانه‌اش می‌خواست بی‌آنکه کسی را برنجاند، خود را از این معرکه کنار بکشد. بالاخره شعرش را نخواند و من از آن شب به بعد هم هرگز ندیدم که سهراب در مجلسی یا جایی و یا

برای کسی شعرش را بخواند و یا درباره شعر خود حرفی بزند و یا درباره شعر دیگران اظهار عقیده کند. همیشه در میان جمع یکی از دوستانش اشعار او را می‌خواند و در تمام مدتی که شعر خوانده می‌شد او سرش را پایین می‌انداخت و کوچک‌ترین حرکتی نمی‌کرد و وقتی هم کسی از شعرش تعریف می‌کرد، کاملاً مشخص بود که با شرم معصومانه‌ای دلش می‌خواهد رهایش کنند و به حال خودش بگذارند» (خسروشاهی، ۱۳۷۵: ۱۵).

البته سپهری یک بار در یک گفت‌وگویی شاعران و به خواست و خواهش فروغ فرخ‌زاد شرکت کرده است، بی‌آنکه لب به سخن باز کرده باشد. در سال ۱۳۴۴ش، یک محقق و استاد دانشگاه‌های آمریکا به نام گرداری تیکو، برای شناخت ادبیات و شعر معاصر به قصد گفت‌وگو با چند شاعر مطرح به ایران می‌آید. به واسطه چند نفر، چند تن از بهترین شاعران آن دوره را (مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، فروغ فرخ‌زاد، سهراب سپهری و م. آزاد تهرانی) گرد هم می‌نشانند تا درباره شعر و ادبیات پیشرو ایران به بحث و گفت‌وگو بپردازند. جلساتی که در دو شب در خانه فروغ فرخ‌زاد و احمد شاملو برگزار شد. در این گفت‌ووشنودها، سپهری، خاموش و بی‌سروصدا، فقط به سخنان هم‌نشینان گوش سپرد، بی‌آنکه لب به سخن بگشاید. امین بنایی که یکی از فراهم‌کنندگان آن جمع بوده، درباره حضور سپهری می‌گوید:

«در آن شب سهراب سپهری هیچ نمی‌گفت ولی با ناراحتی و بی‌میلی به هر چه گفته می‌شد گوش فرامی‌داد. اواخر شب و هنگامی که حاضران به مدد باده‌نوشی، تمایل به خواندن برخی از آخرین شعرهای خود نشان دادند تا در نوار من ضبط شود، سپهری بی‌سروصدا خود را به خواب زد و بعد هم رفت. بدین ترتیب مانع از آن شد که نسل‌های بعد، این فرصت را بیابند که صدای او را که ضبط شده است، بشنوند» (کاخ، ۱۳۸۴: ۱۷).

وجه مشترک دیگر این دو شخصیت، سیاست‌گریزی آنان است. سپهری به‌شدت از سیاست بیزار بود. او در دوره‌ای که تب شعر اجتماعی داغ و فراگیر بود، نسبت به چنین موج‌های دامن‌گستری بی‌اعتنایی می‌کرد. سهراب، برخلاف جریان آب، هرگز به شعر اجتماعی روی خوش نشان نداد و هرگز از سیاست و مسائل روز، نه در شعر و نه در زندگی خود، سخنی به میان نیاورد. از دیدگاه سپهری، سیاست، پوچ و بی‌معنی و موجب نابسامانی و نابودی طبیعت است:

من قطاری دیدم که سیاست می‌برد

و چه خالی می‌رفت (سپهری، ۱۳۷۹: ۲۷۹)

یا:

جای مردان سیاست بنشانید درخت

تا هوا تازه شود^۲.

صادق چوبک نیز با سیاست، دشمنی آشفتنی‌ناپذیری داشت و از درافتادن به تله سیاست سخت می‌هراسید؛ اگر چه سمت‌وسوی اجتماعی و سمبلیک داستان‌ها و شعرهای او بر کسی پوشیده نیست^۳. صدرالدین الهی درباره اندیشه سیاسی چوبک می‌گوید: «چوبک شیفته آزادی و عدالت است. این را در جانش دارد. با همه

دیکتاتورها در جنگ است. تعبد را از هر نوع نشانه دلت می‌داند. گاه با حرارت یک جوان انقلابی داد می‌زند: من تمام عمرم با ظلم و ستم جنگیده‌ام و در ستایش آزادی نوشته‌ام. آزادی جوهر من است» (دفتر هنر، ۱۳۷۳: ۲۵۸). ولی در زندگی فردی و روزمره خود، با وجود داشتن روابط و دوستی‌های تنگاتنگ با برخی از شخصیت‌های سیاسی و عنوان‌دار، به شدت از سیاست و بازی‌های آن دوری می‌جست. چوبک با آنکه در رفاقت و همنشینی‌های شبانه با امیرعباس هویدا (نخست‌وزیر شاه) بسیار نزدیک بود، هرگز به بحث‌های سیاسی نمی‌پرداخت. عباس میلانی درباره دوستی‌های هویدا با چوبک می‌نویسد: «سنت مشروب‌خوری با چوبک تا پایان دوران صدرات هویدا ادامه داشت. هر چهارشنبه، پیش از اینکه برای صرف شام به منزل مادرش برود، هویدا به دیدار قدسی و صادق می‌رفت. گیلاس اسکاچ را مزه‌مزه می‌کرد و گاه لقمه‌ای از پنیر هلندی که مخصوص او ابداع شده بود به دهان می‌گرفت. از هر دری سخنی می‌گفتند و گاه هم بحث ادبی می‌کردند؛ اما از سیاست هرگز سخنی به میان نمی‌آمد. انگار به توافقی ضمنی، بحث سیاست، خارج از دستور این دیدارها بود» (میلانی، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

به هر حال، گرایش این دو (چوبک و سپهری) به دوری از خودنمایی، پرهیز از سیاست و پناه بردن به تنهایی و خودداری از اینکه روز و شب با خلق خدا عریبه کنند، از نکات مشترک و شاخص آنان است. چوبک حتی از اینکه پس از مرگ با هیاهو و تشریفات بدرقه شود، نگران و بیمناک بود. وی در داستان «روز اول قبر» از مجموعه‌ای به همین نام، ضمن توصیف حاجی معتمد، مردی حریص و رذل که دستور داده بود تا مقبره‌ای مجلل برایش بسازند، به طنز، آداب قبر و قبرپرستی را به‌سخره می‌گیرد. می‌توان گفت دیدگاه نویسنده در این سطور درج شده است:

«این قبری بود که برای خودش درست کرده بود. بالای قبر یک لوحه سنگ مرمر سبزه، پشت‌رو، به دیوار تکیه داده بود که نوشته‌اش رو به دیوار و روی نوشته‌اش بیرون بود. حاجی، دلزده و آرام به ناظر گفت: «اون ورش کن ببینم چی از آب دراومده». پیشکار سرافکنده و غمناک پیش رفت و سنگ را رو زمین چرخاند و نوشته‌اش را نمایاند. سنگ، سبک و نازک بود. «هو الحی الذی لایموت. وفات مرحوم مغفور مبرور جنت‌مکان خلدآشیان الحاج علی‌اکبر معتمدالسلطنه فی شهر...» و جای تاریخ خالی بود و به خط نستعلیق خوشی بود که رو مرمر حک شده بود.

«همین سنگه که مته یک بختک رو سینم میفته و نفسمو می‌بُره. هی میان روش میخونن و هی میگن چه خط خوبی. گیرم خدایبامرزی یا نیامرزم گفتن، چه فایده؟ اینم آخرش. آدمو تو به چاله می‌تپونن که نه راه پس داره نه راه پیش. جنت‌مکان، خلدآشیان. چه خاله خوش‌وعده. مسخره‌س...» (چوبک، ۱۳۵۴: ۱۱۲).

سرانجام نیز مرگ او دور از خاک و انسان‌های خاکی و بی‌هیچ مراسم کفن‌ودفنی صورت گرفت. چوبک همان‌گونه که آثار پس از سنگ صبورش را به یکباره سوزاند، به عروس آمریکایی‌اش

وصیت کرد تا جنازه‌اش را نیز بسوزانند و خاکسترش را به اقیانوس آرام و به‌دست باد بسپارند.

سهراب سپهری هم، گویا همانند چوبک، دریا و بی‌کرانگی و تنهایی عمیق آن را خوش‌تر و پاک‌تر از خاک و دنیای پر از هیاهویش می‌دانست و می‌خواست:

قایقی خواهیم ساخت

خواهم انداخت به آب

دور خواهیم شد از این خاک غریب

که در آن هیچ‌کسی نیست که در بیشه عشق

قهرمانان را بیدار کند...

(سپهری، ۱۳۷۹: ۳۶۲).

چوبک افزون بر اینکه ذاتاً تنهایی و توداری و کم‌حرفی را می‌پسندید، در داستان‌هایش نیز توجهی خاص به تنهاییان و بی‌کسان داشت. چه تنهایی و بی‌کسی آدم‌هایی مانند مراد، عذرا، اصغر، مهدی‌گو، زارمحمد، گوهر، بلقیس، جهان‌سلطان، کاکل‌زری، احمدآقا، سید حسن‌خان و چه حیواناتی نظیر مخمل، اسب، سگ‌های گرسنه و کتک‌خورده، و با موش گرفتار و وحشت‌زده تنها. بی‌گمان چکیدۀ تمام نوشته‌های چوبک و عمق اندرون شخصیت‌های داستان‌های او، این بیت منسوب به رودکی است که در پیش صفحه سنگ صبور نقش بسته:

با صد هزار مردم تنهایی

بی صد هزار مردم تنهایی

سپهری هم که بیش از هر چیز، تنهایی و انزوادوستی او زبازند است، از قیل و قال و معرکه دامن برمی‌چید و همیشه غرق در خلوت پاک و زلال خویش بود. شاید واژه «تنهایی» بیشترین بسامد را در شعر سپهری داشته باشد؛ عباراتی نظیر:

- رفته بودم سر حوض / تا ببینم شاید، عکس تنهایی خود را در آب / آب در حوض نبود.

- بوی تنهایی در کوچه فصل.

- جنگ تنهایی با یک آواز.

- گاه تنهایی، صورتش را به پس پنجره می‌چسبانید.

- بیا تا برایت بگویم چه اندازه تنهایی من بزرگ است.

- روی تنهایی خود نقشه مرغی بکشم.

- به سراغ من اگر می‌آید / نرم و آهسته بیاید، مبادا که ترک بردارد / چینی نازک تنهایی من.

البته باید یادآور شد که گرایش و کشش اینان به «تنهایی» و گوشه‌گیری حمل بر بیماری یا تفرعن اشرافیت یا سرخوردگی از مردم و جامعه نبود که می‌دانیم بسیاری از انسان‌ها وقتی در تنهایی فرو می‌روند، عقیم و ناتوان می‌شوند؛ اما برای انسان‌هایی، تنهایی آغاز شکوفایی و بالندگی است و راست گفته‌اند که بسیاری از بزرگان از سر دولت تنهایی به کامیابی رسیده‌اند. محمود عنایت درباره تنهایی صادق چوبک می‌گوید: «تنهایی برای نویسنده‌ای مثل چوبک در حکم معبدی است که در خلوتش به عروج می‌رود و این عروج به‌جای اینکه به او نخوت بدهد، ظرفیتش را و شکندندترش می‌کند. او در این خلوت، روح منتشری پیدا

بشود، شوربختی حیوانات بیچاره و سیه‌روزی انسان‌های درمانده را توصیف می‌کند. چوبک همچنان که در بیان کردن وضعیت مردم بدبخت و فرودست جامعه واقعاً استاد است، در ترسیم کردن حیواناتی که در گرسنگی، آوارگی و رنج و نکبت به‌سر می‌برند و در محیطی سراپا خشونت، آزار و اذیت می‌بینند، حقیقتاً یگانه است. سپهری و چوبک از نگاه به‌کارگیری حیوانات در آثارشان همانندند؛ اما با این تفاوت فاحش که سپهری با زبانی نرم و لطیف، حیوانات طبیعت را نوازش می‌کند و مثلاً می‌گوید:

خواهم آمد پیش اسبان، گاوان، علف سبز نوازش خواهم ریخت
مادبانی تشنه، سطلِ شبنم را خواهم آورد
خرِ فرتوتی در راه، من مگس‌هایش را خواهم زد.
(همان، ص ۳۴۰).

سپهری با تمام سادگی و خلوصی که دارد، طبیعت و موجودات درونش را می‌پرستد و می‌ستاید و بر این باور است که حتی نباید پدیده‌های طبیعت را دستکاری کرد؛ زیرا ممکن است به آزادی و زندگی حیوانات خدشه‌ای وارد شود:

آب را گل نکنیم
در فرودست انگار گفتی می‌خورد آب
یا که در بیضه دور، سیره‌ای پر می‌شوید.
(همان، ص ۳۴۵).

اما چوبک از زاویه دیگر و برخلاف سپهری، با زبانی زننده و بی‌پروا، به پروای حیوانات مفلوک و بیچاره می‌پیچد و هر آنچه را از بلا و بدبختی و جنون جنسی بر سر حیوان می‌آید، توصیف می‌کند؛ آن‌هم با زبانی دقیق و موشکافانه. به‌گونه‌ای که نظیری نمی‌توان برای آن برشمرد؛ به‌عنوان نمونه، تصاویری که وی در داستان «عدل» از یک اسب زمین‌گیر، در داستان «ققس» از مرغ و خروس‌های درمانده و گرفتار، یا در داستان «انتری که لوطی‌اش مرده بود» که شرح دلت‌بار و شوم یک میمون است، به‌دست می‌دهد، تفاوت کار او با سپهری را بهتر می‌توانند نشان دهند. اگر سپهری، تابلوهای زیبا و پاکیزه طبیعت را نقاشی می‌کند و بر این باور است که «زیبا ببینیم که همه چیز زیبا می‌شود»، در عوض چوبک صحنه‌های چرک و مستهجن زندگی را به نمایش می‌گذارد تا زشتی‌ها و پلشتی‌های انکارناپذیر جامعه پنهان نماند. به هر حال، مملکت همه جور نویسنده‌ای لازم دارد:

«راس گفتی بالاخره مملکت همه جور آدم لازم داره؛ هم نویسنده متعینین و متعینات می‌خواد، هم نویسنده گدا. منم اگه خواستم نویسنده بشم، می‌شم نویسنده گداها. این‌همه نویسنده داریم که دایم دسشون تو پر و پاچه متعیناته.... اونا نه از گوهر و جهان سلطون خبر دارن و نه می‌دونن یه همچو موجوداتی هم هستن و نه زبون اونارو می‌دونن» (چوبک، ۱۳۵۶: ۸۶).

شاید یکی از دلایل حضور حیوانات در شعر سپهری و داستان‌های چوبک و نیز انس و گرایششان به «تنهایی» این مسئله باشد که این دو هنرمند به فرهنگ و اندیشه‌های بودایی و هندی دلبستگی داشتند و بدان پیوند خورده بودند. این رنگ و مایه در سروده‌ها و نوشته‌های هر دو، کم و بیش دیده می‌شود. سهراب سپهری، آشنایی عمیقی با عرفان بودایی و

می‌کند که در وجود قهرمانانش تقسیم می‌شود و عوالم آن‌ها را نفس‌به‌نفس تجربه می‌کند» (دفتر هنر، ۱۳۷۳: ۱۷۰).

اما نکته مهم و بیشتر تأمل‌برانگیز، دلبستگی و توجه خاص این دو چهره به حیوانات و پرندگان است. زندگی و مرگ برخی از حیوانات دستمایه بسیاری از داستان‌های چوبک است. حیواناتی چون اسب در داستان «عدل»، میمون در «انتری که لوطی‌اش مرده بود»، توله‌سگ‌ها در «یک شب بی‌خوابی»، سگ ماده در «مردی در قفس»، گربه در «بچه‌گربه‌ای که چشمانش باز نشده بود»، کفتَر در «کفترباز»، کلاغ در «اسائه ادب» مرغ و خروس در «ققس»، موش در «پاچه‌خیزک»، عنکبوت در «سنگ صبور» و گاو و بز و یک سگ گرسنه در بخش‌هایی از داستان بلند «تنگسیر»، چوبک، بی‌تردید از نظر آوردن حیوانات در داستان‌هایش و شخصیت‌بخشی به آن‌ها یگانه است. اگر این نویسنده نامدار، سی‌وهفت داستان کوتاه و بلند داشته باشد، در بیش از شانزده داستان او حیوانات نقش و حضوری پررنگ دارند.

طبیعت‌دوستی را باید از ویژگی‌های بارز اشعار سهراب سپهری دانست؛ به‌ویژه شیفتگی پرشور او به گل و گیاه و حیوانات بی‌نظیر است. او نه‌تنها در شعرهایش که در زندگی واقعی و روزمره خود شیفته بی‌چون‌وچرای طبیعت بود. «او از درختان، پشه‌ها، گل‌ها و پرنده‌ها طوری حرف می‌زد که انگار قوم و خویش و یا دوستان نزدیکش هستند» (خسروشاهی، ۱۳۷۵: ۷۵). در جهان شعر، پیوند و عاطفه او با حیوانات به‌راستی شگفت‌انگیز است:

من صدای پر بلدرچین را می‌شناسم
شکم هوبره را
اثر پای بز کوهی را
خوب می‌دانم، ریواس کجا می‌روید
سار کی می‌آید، کبک کی می‌خواند، باز کی می‌میرد.
(سپهری، ۱۳۷۹: ۲۸۹).

من نمی‌دانم
که چرا می‌گویند: اسب حیوان نجیبی است، کیبوتر زیباست
و چرا در قفس هیچ‌کسی کرکس نیست.
(همان، ص ۲۹۱).

و نمونه‌ای دیگر از احساس و عاطفه سپهری به حیوانات:
و نخواهیم مگس از سر انگشت طبیعت بپرد
و نخواهیم پلنگ از در خلقت برود بیرون
و بدانیم اگر کرم نبود، زندگی چیزی کم داشت
و اگر خنج نبود، لطمه می‌خورد به قانون درخت.
(همان، ص ۲۹۴).

پیداست که نگاه سپهری به طبیعت، عاطفی، انسانی و البته رمانتیک است. با کوچک‌ترین آسیب یا رسیدن رنجشی به گیاه یا حیوان، دل‌نازک و تنهای او شکسته می‌شود؛ اما صادق چوبک با همه دلبستگی و شکنندگی‌اش نسبت به حیوانات، آن‌ها را همان‌طور به تصویر می‌کشد که شخصیت‌های انسانی داستان‌هایش را. درواقع او به بیان واقعیت‌های انکارناپذیر محیط خود می‌پردازد و با بی‌رحمی تمام، بی‌آنکه احساساتی

کتاب‌شناسی صادق چوبک

توجه به عمیق‌ترین لایه‌های اجتماع، بی‌گمان از ویژگی‌هایی است که به نام صادق چوبک ثبت شده است؛ کسی که نفرت‌انگیزترین صحنه‌های زندگی را پیش روی خوانندگان گذاشت و چه راست گفته‌اند که وی از پیشگامان شکستن سنت ادبیات مؤدب است. کسی که ما را به بوییدن دنیایی واداشت که همیشه از شنیدن و دیدن صحنه‌هایی از آن به چندش و نفرت می‌افتادیم. هرچند دیگران سعی در نشان دادن چنین صحنه‌هایی داشتند، اما هرگز به کمال پختگی و تیزی چوبک نرسیدند. نویسنده‌ای که پاره‌ای از قصه‌های او از آثار به‌یادماندنی و استوار ادبیات داستانی است و همین آثار نه‌تنها او را در قلمرو داستان فارسی تثبیت کرده، بلکه در عرصه ادبیات جهان، جایگاه شناخته‌شده و قابل توجهی نیز به وی داده است.

از آنجا که چوبک در عرصه ادبیات داستانی از تأثیرگذارترین نویسندگان معاصر محسوب می‌شود - هرچند خودش برکنار از هیاهو و خودشیفتگی بود - نویسندگان و منتقدان زیادی را واداشته تا پیرامون آثارش نقدها و مقالات فراوانی بنویسند و زوایای پنهان و ناشناخته این نویسنده نامدار را بازشناسانند. به هر روی، مقاله‌شناسی و کتاب‌شناسی صادق چوبک می‌تواند نشانگر تأثیر نیرومند و نیز حضور پایدار او در حوزه ادبیات داستانی ایران باشد. گفتنی است که در تنظیم این کتاب‌شناسی، چاپ نخست آثار چوبک لحاظ شده‌اند. آثار وی توسط ناشران مختلف و با به‌شکل زیرزمینی بارها تجدید چاپ شده است. تنها در چاپ دوم، خیمه‌شب‌بازی است که چوبک مجبور می‌شود پس از ده سال، برای مجوز کتابش که از طرف اداره سانسور به نویسنده تحمیل شده بود، داستان «اسائه ادب» را حذف کند و به‌جای آن، داستان «یحیی» و شعر «آه انسان» را بگنجانند. همچنین داستان «عمرکشون» از مجموعه چراغ آخر در چاپ‌های بعدی به‌خاطر پرهیز از رنجیدگی و سوءاستفاده‌های مذهبی توسط خود نویسنده از کتاب حذف شده است.

کتاب‌های صادق چوبک

۱. چوبک، صادق، خیمه‌شب‌بازی (بازده داستان: نفتی، گل‌های گوشتی، عدل، زیر چراغ قرمز، آخر شب، مردی در قفس، پیراهن زرشکی، مسیو الیاس، اسائه ادب، بعدازظهر آخر پاییز)، تهران: جاویدان، چاپ اول، ۱۳۳۴.
۲. _____، انتری که لوطی‌اش مرده بود (سه داستان: چرا دریا توفانی شده بود، قفس، انتری که لوطی‌اش مرده بود و نمایشنامه «توپ لاستیکی»)، تهران: جاویدان، چاپ اول، ۱۳۲۸.
۳. _____، پینوکیو، آدمک چوبی (ترجمه اثری از کارلو کولودی)، تهران: بی‌نا، ۱۳۳۴، ۲۱۲ص، سری. و نیز: تهران: گوتنبرگ، ۱۳۳۴، ۲۱۲ص. و نیز: تهران: کتاب‌های جیبی،

هند، به‌ویژه کتب مقدسی چون *ودا* داشت. *ودا* از نخستین و قدیمی‌ترین سروده‌هایی است که حیوانات در آن حرف می‌زنند یا حضور دارند. یکی از آموزه‌های اندیشه‌های هندی بی‌تردید آشنایی با روح پرندگان و مرغان است که در این آیین، بدان نگاهی خاص می‌شود. مهم‌ترین سرچشمه جهان‌بینی سپهری را باید آراء و عقاید عارف هندی‌تبار، کریشنا مورتی دانست. شعر او از این نظر یکتا و منحصر به فرد است.

من *ودا* می‌خوانم، گاهی نیز
طرحی می‌ریزم سنگی، مرغی، ابری.
(سپهری، ۱۳۷۹: ۳۴۳).

ضمن آنکه سپهری مدتی از عمر خود را در سرزمین‌های خاور دور به‌ویژه هند سپری کرده بود و نسبت به آرا و اندیشه‌های آنان، آگاهی و شعوری ژرف داشت.

صادق چوبک نیز شخصاً دلبستگی‌هایی به سرزمین هند داشت و این دلبستگی در آثار او به‌روشنی بازتاب یافته است. افزون بر اینکه او ترجمه کتاب *مهپاره* (داستان‌های عشقی هندو) را منتشر کرد، برخی از شخصیت‌های داستانی‌اش نیز ارتباط و پیوندی با هند دارند؛ از جمله سید حسن‌خان در داستان «مردی در قفس» که مدت‌زمانی در هند بوده و از آنجا قلم‌تراش دسته‌صافی زیبایی که از روی میز یک رفیق صمیمی هندی خودش دزدیده بود، به خانه‌اش آورده که به این قلم‌تراش علاقه و هم‌کینه شدیدی داشت. یا جواد در داستان «چراغ آخر» که با کشتی سالی دو بار برای تحصیل به کلکته هندوستان می‌رفت. داستان دیگر، «سنگ صبور» است که در آن یک هندی‌تبار، به نام سیف‌القلم، زنان هرزه و غرق در فساد را در شیراز به قتل می‌رساند. یا در داستان «عمرکشون» که پدر مهدی‌گو برای درمان فرزندش یک بار او را به هند می‌برد تا پزشکان آنجا معالجه‌اش کنند. ضمن آنکه باید اشاره کرد که چوبک و سپهری در دوره‌ای نسبت به یکدیگر علاقه و ارادت زیادی نشان می‌دادند و هر گاه پای صحبت هم می‌نشستند، به قول جلال خسروشاهی «اغلب از شعر و فلسفه و هند حرف می‌زدند» (خسروشاهی، ۱۳۷۵: ۶۱).

پایان سخن آنکه زندگی و مرگ چوبک شاید بی‌شابهت به ققنوس، پرنده افسانه‌ای نباشد؛ پرنده‌ای که تنها زندگی می‌کند و در میان پرندگان، بی‌همتا است. از هر سوراخ منقارش آواز و سازی تازه برمی‌خیزد و سرانجام با مرگی شگفت‌انگیز در میان خاکستر خویش به تولدی دیگر می‌رسد. می‌توان از جهاتی از چوبک به‌عنوان ققنوس ادبیات ایران یاد کرد؛ کسی که در تمامی عمر در سکوت و تنهایی به‌سر بُرد، تن به هیچ مصاحبه‌ای نداد و با خلقی آثار متفاوت و در سازی مخالف با ادبیات مرسوم، خود را به‌عنوان یکی از درخشان‌ترین نویسندگان ایران معرفی کرد. سرانجام نیز با یک «متن‌سوزی» و «خودسوزی» حیرت‌آور، خاکستر خود را به اقیانوس سپرد. شاید راز ماندگاری چوبک در همین زندگی و مرگ ققنوس‌وار او باشد.

نه، نه

من نمرده‌ام

و هیچ‌کس نمرده

آدمی مرگ را کشته.

(چوبک، ۱۳۵۱: ۲۵۲).

- فرانکلین، مصوّر [چاپ دوم]، ۱۳۵۱، ۲۴۰ص.
۴. _____، تنگسیر (رمان)، تهران: امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۴۲، ۳۵۵ص. و نیز: تهران: جاویدان، چاپ ۱۳۴۶، ۳۵۹ص.
۵. _____، روز اول قبر (ده داستان کوتاه: گورکن‌ها، چشم شیشه‌ای، دسته گل، یک چیز خاکستری، پاچه‌خیزک، روز اول قبر، همراه، عروسک‌فروشی، یک شب بی‌خوابی، همراه «شیوه‌دیگر» و «هفت خط» (نمایشنامه)، تهران: جاویدان، چاپ اول، ۱۳۴۴.
۶. _____، چراغ آخر (ده داستان کوتاه: چراغ آخر، دزد قالیاق، کفترباز، عمرکشون، بچه گربه‌ای که چشمانش باز نشده بود، اسب چوبی، آتما سگ من، ره‌آورد (شعر بی‌وزن)، پریزاد و پریمان، دوست)، تهران: جاویدان، چاپ اول، ۱۳۴۴، ۲۷۶ص.
۷. _____، سنگ صبور (رمان)، تهران: جاویدان، چاپ اول، ۱۳۴۵، ۴۰۰ص.
۸. _____، غراب (ترجمه‌ اثری از ادگار آلن پو).
۹. _____، مهپاره (ترجمه‌ داستان‌هایی از هندو). (ترجمه از سانسکریت به انگلیسی توسط: ف. و. بین. و از انگلیسی به فارسی توسط صادق چوبک) تهران: نیلوفر، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- داستان‌ها و ترجمه‌های چاپ‌شده در نشریات**
۱۰. چوبک، صادق، «عدل»، سخن، دوره دوم، ش ۸، شهریور ۱۳۲۴، صص ۶۰۵-۶۰۶.
۱۱. _____، «پیش از ناشتایی» (تراژدی در یک پرده) [اثری از یوجین اونیل]، سخن، دوره دوم، ش ۹، مهرماه ۱۳۲۴، صص ۶۷۳-۶۸۰ و نیز: کلک، دوره جدید، ش ۲۵، پیاپی ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲-فروردین ۱۳۸۳، صص ۲۱-۲۴.
۱۲. _____، «رؤیای یک برده» [اثری از هانری لانتگلو]، نامه مردم، دوره پنجم، ش ۱، ش ۶، اسفند ۱۳۲۵، صص ۱۶-۱۷.
۱۳. _____، «سرگذشت» (نمایشنامه‌ای از آرتور شینتلا)، سخن، دوره سوم، ش ۶ و ۷، آذر و دی‌ماه ۱۳۲۵، صص ۴۱۷-۴۳۰.
۱۴. _____، «چراغ آخر»، سخن، دوره چهارم، ش ۳، بهمن ۱۳۳۱، صص ۲۰۶-۲۱۸.
۱۵. _____، «عمرکشون»، سخن، دوره یازدهم، ش ۵، سال ۱۳۳۹، صص ۵۷۸-۵۸۲.
۱۶. _____، «پاچه‌خیزک»، کاوش، ش ۱، ش ۱، شهریور ۱۳۳۹، صص ۵۵-۵۸.
۱۷. _____، «بچه‌گربه‌ای که چشمانش باز نشده بود»، کاوش، ش ۱، ش ۲، ۱۳۳۹، صص ۷۲-۷۴.
۱۸. _____، «غراب»، ترجمه‌ اثری از ادگار آلن پو]، کاوش، ش ۱، ش ۳، اسفند ۱۳۳۹، صص ۸۲-۸۴.
۱۹. _____، «ره‌آورد»، کاوش، ش ۲، ش ۴، خرداد ۱۳۴۱، صص ۱۲-۱۶.
۲۰. _____، «تنگسیر»، سخن، دوره چهاردهم، ش ۱، تیرماه ۱۳۴۲، صص ۸۶-۹۲.
۲۱. _____، «سرمه خفا» (شعری از صادق چوبک)،
۲۲. _____، «سنگستان» (شعر، از چکامه آه انسان)، فردوسی، خرداد ۱۳۴۶، ص ۳۷.
۲۳. _____، «داستانی از چوبک»، کتاب مرجان [مجموعه شعر و قصه]، ش ۳، آذر ۱۳۵۱.
۲۴. _____، «چشم شیشه‌ای»، اطلاعات، یکشنبه، ش ۱۳۹۴۶، ۱۸ آبان ۱۳۵۱، ص ۱۹.
۲۵. _____، «پرده‌داری» (از داستان چراغ آخر)، ایران‌نامه، ش ۹، ش ۲، بهار ۱۳۷۰، صص ۳۳۴-۳۵۰.
۲۶. _____، «سفر مازندران و چند یاد دیگر» (خاطرات صادق چوبک از صادق هدایت)، پیام زمان، ش ۲۱، ۱۳۷۷، صص ۳۶-۴۳. و نیز: دفتر هنر، ش ۶، ۱۳۷۵. و نیز: یاد صادق هدایت، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۵۹۳-۶۱۵.
۲۷. _____، «دیروز» (زندگی‌نامه چوبک به قلم خودش)، دفتر هنر، ش دوم، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۵۷-۱۶۲. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۵-۲۵.
۲۸. _____، «مبادا» (شعر سپید)، دفتر هنر، ش ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۸۲-۱۸۳.
۲۹. _____، «داستان گریتا گریتا» (بخشی از کتاب مهپاره)، دفتر هنر، ش ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۴۹-۲۵۰.
۳۰. _____، «هنوز باور نمی‌کنم که بینایی‌ام راز دست داده‌ام»، گردون، ش ۶، ش ۴۸-۴۹، ۱۳۷۴، صص ۳۶-۴۱.
۳۱. _____، «از نامه‌های صادق چوبک به علی دهباشی»، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۷۱-۳۷۴.
- درباره صادق چوبک**
۳۲. آتش‌سودا، محمدعلی، «شیوه داستان‌نویسی چوبک»، بوستان ادب (مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز)، دوره ۲۲، پیاپی ش ۴۲، ش ۱، بهار ۱۳۸۴، صص ۱۸۷-۲۰۲.
۳۳. آتشی، منوچهر، «چوبک، شاهدهی خشمگین و تلخ‌زبان»، نسیم جنوب (هفته‌نامه محلی)، ش ۲۴۹، ۱۵ تیر ۱۳۸۲.
۳۴. _____، «یادی از دو همشهری، دو نویسنده مظلوم»، بایا، ش ۴-۵، تیر-مرداد ۱۳۷۸، ص ۴۴.
۳۵. آدینه، «نویسنده چراغ آخر خاموش شد»، آدینه، ش ۱۲۸، یکم مرداد ۱۳۷۷، ص ۷.
۳۶. _____، «سانسور حق التالیف» (چاپ آثار صادق چوبک بعد از مرگ)، آدینه، ش ۱۳۰، شهریورماه ۱۳۷۷، ص ۹.
۳۷. آرام، احمد، «پنج اپیزود مدور» (دهمین سال مرگ صادق چوبک)، شهروند امروز، ش ۵۴، ۲۳ تیرماه ۱۳۸۷، صص ۱۲۳-۱۲۴.
۳۸. آزند، یعقوب، ادبیات نوین ایران، تهران: امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۳۹. _____، «میراث داستان‌نویسی صادق چوبک»، ادبیات

- داستانی، س ۶ ش ۴۸، ۱۳۷۷، صص ۸۶-۹۰.
۴۰. _____، «سایه به سایه داستان‌نویسی در ایران» (۲)، ادبستان، س ۱، ش ۶ خرداد ۱۳۶۹، صص ۲۰-۲۵.
۴۱. آسیا، «وقتی که خاکستر صادق چوبک را در اقیانوس ریختند»، آسیا، ۱۶ تیرماه ۱۳۸۶.
۴۲. آقارب پرست، محمدحسین، «صادق چوبک در حدیث دیگران»، صبح، ش ۸۷، آذر ۱۳۷۷، صص ۵۸-۶۰.
۴۳. آقاگل زاده، فردوس، «بررسی زبان شناختی دیدگاه روایتگری داستان روز اول قبر صادق چوبک در چهارچوب مدل سیمپسون»، نقد ادبی، ش ۳، پاییز ۱۳۸۷، صص ۷-۲۸.
۴۴. آل احمد، جلال، در خدمت و خیانت روشنفکران، تهران: فردوس، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۱۸۶.
۴۵. ابتکار، «صادق چوبک»، ابتکار، ۱۶ تیرماه ۱۳۸۶.
۴۶. ابراهیم پور، فریبرز، «قتل، حین شکار: نقد و بررسی دسته‌گل صادق چوبک»، بنیاد، س ۲، ش ۱۹، مهر ۱۳۵۷، صص ۳۲-۳۴ و ۳۷. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۹۵-۴۰۵.
۴۷. ابویسانی، حسین، «مقایسه میان اولادهارتنا و سنگ صبور»، لسان مبین (ژوهش ادب عرب)، س ۱، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۲.
۴۸. احکامی، شاهرخ، «از خودمان»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۵۴-۱۵۵.
۴۹. احمدی آریان، امیر، «استحاله سیاه صادق چوبک»، شهروند امروز، س ۳، ش ۵۴، ۲۳ تیرماه ۱۳۸۷، ص ۱۲۶.
۵۰. ادبیات داستانی، «بازخوانی یک پرونده»، ادبیات داستانی، ش ۱۱۲، آبان و آذر ۱۳۸۶، ص ۷۱.
۵۱. _____، «صادق چوبک»، ادبیات داستانی، ش ۱۱۲، آبان و آذر ۱۳۸۶، ص ۷۱.
۵۲. استخریان، رضا، «مکتبی بر عکسی»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۸۴-۱۸۵. و نیز: بخارا، ش ۱، مرداد-شهریور ۱۳۷۷، صص ۳۱۰-۳۱۱.
۵۳. استعلامی، محمد، ادبیات دوره بیداری و معاصر، تهران: دانشگاه سپاهیان ایران، ۱۳۵۵، صص ۲۶۱-۲۶۸.
۵۴. _____، بررسی ادبیات امروز ایران، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۵۶، صص ۱۲۴-۱۲۶.
۵۵. اسدی، ه، «نگاهی دوباره به چهره‌ها از دریچه انقلاب»، کیهان، ۶ آبان ۱۳۶۸، ص ۶.
۵۶. اسدی پور، بیژن، «چهره چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۵۷.
۵۷. _____، «یادی از صادق چوبک»، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۱۹-۲۲۰.
۵۸. _____، «ویژه‌نامه صادق چوبک در دست انتشار است»، گردون، س ۵، ش ۴۴ و ۴۵، بهمن و اسفند ۱۳۷۳، ص ۸.
۵۹. _____، «کلی‌یات»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۵۲-۱۵۳.
۶۰. اسدی زاده، پرویز و دیگران، دایرةالمعارف یا فرهنگ دانش و هنر، تهران: اشرفی، چاپ سوم، ۱۳۴۷، صص ۹۳-۹۴.
۶۱. اشرف ایبانه، شهرام، «در پی دنیایی خیالی: نگاهی به اقتباس‌های ادبی در سینمای ایران از آغاز تا ۱۳۵۷»، فارابی، ش ۵۴، زمستان ۱۳۸۳، صص ۱۳۵-۱۶۲.
۶۲. اصغری، حسن، «میراث صادق چوبک»، کلک، دوره جدید، ش ۳، پیاپی ش ۹۷، شهریور ۱۳۷۷، صص ۹۰-۹۲.
۶۳. _____، «نقد داستان یک شب بی‌خوابی صادق چوبک»، کلک، دوره جدید، ش ۳، پیاپی ش ۹۷، شهریور ۱۳۷۷، صص ۹۳-۹۷.
۶۴. _____، «میراث صادق چوبک»، کلک، دوره جدید، ش ۲۵، پیاپی ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲ و فروردین ۱۳۸۳، صص ۱۱-۱۳.
۶۵. اصلانی، محمدرضا (همدان)، صادق چوبک (چهره‌های قرن بیستمی ایران، دفتر دهم)، تهران: قصه، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷.
۶۶. _____، بهرام صادقی (چهره‌های قرن بیستمی ایران، دفتر هفتم)، تهران: قصه، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۸-۱۰، ۱۲.
۶۷. افشار، هنگامه، «افکار سوزان صادق چوبک: برای خاموشی قدسی چوبک»، دفتر هنر، ش ۱۴، اسفند ۱۳۸۰، صص ۱۲-۲۰، ۱۷-۲۰.
۶۸. اقدامی، ضحی، «ناتورالیسم در آثار صادق چوبک»، گلستانه، ش ۶، اسفند ۱۳۸۴، صص ۸۰-۸۳.
۶۹. الهی، صدرالدین، «با صادق چوبک در باغ یادها»، ایران‌شناسی، س ۵، ش ۲، تابستان ۱۳۷۲، صص ۲۳۶-۲۵۴. و نیز: دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۵۷-۲۶۳. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۰۵-۱۲۵.
۷۰. _____، «از خاطرات ادبی دکتر پرویز خانلری درباره صادق چوبک»، ایران‌شناسی، س ۵، ش ۲، تابستان ۱۳۷۲، صص ۲۵۵-۲۶۷. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۸۹-۱۰۳. و نیز: نقد بی‌غش، (گفت‌وگوهای ادبی با پرویز نائل خانلری)، صدرالدین الهی، تهران: معین، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۷۱. _____، «یاد چوبک»، دفتر هنر، ش ۱۰، پاییز ۱۳۷۷، ص ۱۳۴۹.
۷۲. امامی، کریم، «حق‌التألیف سگ جرج بوش و چند قضیه دیگر»، کلک، ش ۲۸، تیر ۱۳۷۱، ص ۱۸۰.
۷۳. امیدی سرور، حمیدرضا، «صادق چوبک و سینما: شاگرد خلف هدایت»، بانی‌فیلم، ش ۱۶.
۷۴. امیرعزندی، بابک، «چهره چوبک بر جلد مجله پر»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۷۸.
۷۵. امیری، ملک‌ابراهیم، «بشنو از نی»، فرجاد، س ۲، ش ۵، ۱۳۷۰، ص ۵۲.
۷۶. انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، «چوبک، آفتاب گرم جنوب»، اطلاعات، یکشنبه، ش ۱۳۹۴۶، ۱۸ آبان ۱۳۵۱، ص ۱۹.

۷۷. انوری، حسن، فرهنگ اعلام سخن، جلد ۱، تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۵۷۸.
۷۸. اورند، مهدی، «صادق چوبک»، همشهری، ۲۵ شهریور ۱۳۸۲.
۷۹. اوسوالد، یرژی، «زبان ادبی صادق چوبک»، ترجمه محمود عبادیان، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۵۱-۱۵۹.
۸۰. اولیایی‌نیا، هلن و شیرین شرر تیمورتاش، «بررسی تطبیقی قفس صادق چوبک و تخم‌مرغ شروود اندرسون»، کتاب ماه ادبیات، س ۵، ش ۶۰ پیاپی ۱۷۴، فروردین ۱۳۹۱، صص ۸۹-۹۳.
۸۱. ایران‌شناسی، «نظر صاحب‌نظران درباره صادق چوبک و آثار وی»، ایران‌شناسی، س ۵، ش ۲، تابستان ۱۳۷۷، صص ۲۹۲-۲۹۷.
۸۲. باباسالار، اصغر، «صادق چوبک و نقد آثار وی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران: ش ۱۷۷، بهار ۱۳۸۵، صص ۱۳۳-۱۵۲.
۸۳. بازار، «گفت‌و شنود و معرفی نویسندگان معاصر»، بازار، ش ۱، ۱۳۴۴.
۸۴. _____، «معرفی صادق چوبک»، بازار (ویژه هنر و ادبیات)، ش ۱۵-۱۶، ۲۰ شهریور ۱۳۴۵.
۸۵. بالایی، پیوند، «جلوه‌های ناتورالیسم در آثار صادق چوبک»، ادبیات داستانی، س ۱۲، ش ۸۷، بهمن ۱۳۸۳، صص ۲۲-۲۸.
۸۶. _____، «مقام و موقعیت زن در آثار صادق چوبک»، ادبیات داستانی، ش ۸۹، اردیبهشت ۱۳۸۴، صص ۱۰-۱۳.
۸۷. بخارا، «از نامه‌های صادق چوبک»، بخارا، س ۱، ش ۱، مرداد-شهریور ۱۳۷۷، صص ۳۰۵-۳۰۹.
۸۸. براهنی، رضا، «نقدی بر آثار صادق چوبک»، فردوسی، ش ۳۰، اردیبهشت ۱۳۴۷، صص ۲۲-۲۴.
۸۹. _____، «هدایت، علوی، آل احمد، گلستان نه، و چرا چوبک؟»، فردوسی، ش ۸۶، ۶ خرداد ۱۳۴۷، صص ۳۰-۳۲.
۹۰. _____، «نقدی بر آثار چوبک»، فردوسی، ش ۸۶، ۱۳ خرداد ۱۳۴۷، صص ۳۳-۳۵.
۹۱. _____، «نقدی بر چوبک، نثر مشروطیت تا دهخدا - نامه‌ها و سفرنامه‌ها از ناصر خسرو تا آل احمد»، فردوسی، ش ۸۶، ۲۷ خرداد ۱۳۴۷، صص ۳۵-۳۷.
۹۲. _____، «نقدی بر چوبک، طنز دهخدا و تأثیر دهخدا بر روی نثر قصه‌نویسان ایرانی»، فردوسی، ش ۸۶، ۳ تیرماه ۱۳۴۷، صص ۳۶-۳۷.
۹۳. _____، «نقدی بر چوبک، برج عاج ایرانی در قلب اروپا»، فردوسی، ش ۸۶، ۱۰ تیر ۱۳۴۷، صص ۳۶-۳۷.
۹۴. _____، «نقدی بر چوبک، ملاحظات هنری در انتظار چوبک برای نقد قصه‌نویسی معاصر»، فردوسی، ش ۸۶، ۱۷ تیر ۱۳۴۷، صص ۳۴-۳۵.
۹۵. _____، «نقدی بر چوبک، اشاره به خصوصیات قصه کوتاه ادگار آلن پو، چخوف و چوبک»، فردوسی، ش ۸۶، ۲۴ تیر ۲۰۰۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۲۳۱.
- ۳۴-۳۵، صص ۳۴-۳۵.
۹۶. _____، «نقدی بر چوبک، قصه‌نویس فساد، نگاهی به سه قصه از صادق چوبک»، فردوسی، ش ۸۷، ۷ مرداد ۱۳۴۷، ص ۳۶.
۹۷. _____، «نقدی بر چوبک، قصه‌نویسی ظالم!»، فردوسی، ش ۸۷، ۱۴ مرداد ۱۳۴۷، ص ۳۵.
۹۸. _____، «نقدی بر چوبک، سیری در ذهن و حافظه شخصیت‌های قصه»، فردوسی، ش ۸۷، ۲۱ مرداد ۱۳۴۷، ص ۳۵.
۹۹. _____، «نقدی بر چوبک، دنباله بررسی قصه‌های خیمه‌شب‌بازی»، فردوسی، ش ۸۷، ۲۸ مرداد ۱۳۴۷، صص ۳۴-۳۵.
۱۰۰. _____، «نقدی بر چوبک، تطهیر تنگسیر!»، فردوسی، ش ۸۷، ۲ شهریور ۱۳۴۷، ص ۳۴.
۱۰۱. _____، «نقدی بر چوبک، زیباترین نمونه نثر چوبک در تنگسیر»، فردوسی، ش ۸۷، ۱۱ شهریور ۱۳۴۷، ص ۳۴.
۱۰۲. _____، «نقدی بر چوبک، تنگسیر قصه قهرمان است نه شخصیت»، فردوسی، ش ۸۷، ۱۸ شهریور ۱۳۴۷، صص ۳۴-۳۵.
۱۰۳. _____، «دو چهره خشن این واقع‌بین»، اطلاعات، یکشنبه، ش ۱۳۹۴۶، ۱۸ آبان ۱۳۵۱، ص ۱۹.
۱۰۴. _____، «کوته‌بینی ما در مورد چوبک»، قصه‌نویسی، تهران: نشر نو، چاپ سوم، ۱۳۶۲، صص ۴۵۵-۴۶۰.
۱۰۵. _____، «اشاراتی دیگر به قصه امروز، نثر هدایت، چوبک، آل احمد و گلستان»، قصه‌نویسی، تهران: نشر نو، چاپ سوم، ۱۳۶۲، صص ۴۸۱-۴۹۹.
۱۰۶. _____، «نقدی بر آثار صادق چوبک»، قصه‌نویسی، تهران: نشر نو، چاپ سوم، ۱۳۶۲، صص ۵۶۷-۷۴۱.
۱۰۷. _____، «چهره خشن این واقع‌بین»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۲۰۷.
۱۰۸. _____، «رؤیای بیدار (مجموعه مقالات)، تهران: قطره، چاپ اول، ۱۳۷۳، صص ۵۸، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۲۹، ۱۶۹، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۳۴، ۳۰۱، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۶۱، ۳۶۶.
۱۰۹. _____، «تجدد و روایت حرام‌زادگی در آثار صادق چوبک» (۱)، آدینه، ش ۱۲۸، یکم مرداد ۱۳۷۷، صص ۱۱-۱۳.
۱۱۰. _____، «تجدد و روایت حرام‌زادگی در آثار صادق چوبک» (۲)، آدینه، ش ۱۲۹، ۱۶ مرداد ۱۳۷۷، صص ۳۲-۳۴.
۱۱۱. _____، «بحران صادق چوبک و روایت تجدد و حرام‌زادگی در آثارش» (۳)، آدینه، ش ۱۳۱، ۱۶ شهریور ۱۳۷۷، صص ۲-۲۴.
۱۱۲. _____، «رمان‌نویسی دهه چهل و سنگ صبور»، بایا، ش ۴-۵، تیر-مرداد ۱۳۷۸، صص ۲۶-۳۸.
۱۱۳. _____، «در سوگ سنگ صبور یک ملت»، دفتر هنر، ش ۱۰، پاییز ۱۳۷۷، صص ۱۳۵-۱۳۵۱.
۱۱۴. _____، «جنون نوشتن (گزیده آثار رضا براهنی)»، تهران: رسام، چاپ اول، بی‌تا، صص ۶۰۳-۶۳۱.
۱۱۵. برهمن، جمشید، «دو شعر برای صادق چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۲۳۱.

۷۷. انوری، حسن، فرهنگ اعلام سخن، جلد ۱، تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۵۷۸.
۷۸. اورند، مهدی، «صادق چوبک»، همشهری، ۲۵ شهریور ۱۳۸۲.
۷۹. اوسوالد، یرژی، «زبان ادبی صادق چوبک»، ترجمه محمود عبادیان، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۵۱-۱۵۹.
۸۰. اولیایی‌نیا، هلن و شیرین شرر تیمورتاش، «بررسی تطبیقی قفس صادق چوبک و تخم‌مرغ شروود اندرسون»، کتاب ماه ادبیات، س ۵، ش ۶۰ پیاپی ۱۷۴، فروردین ۱۳۹۱، صص ۸۹-۹۳.
۸۱. ایران‌شناسی، «نظر صاحب‌نظران درباره صادق چوبک و آثار وی»، ایران‌شناسی، س ۵، ش ۲، تابستان ۱۳۷۷، صص ۲۹۲-۲۹۷.
۸۲. باباسالار، اصغر، «صادق چوبک و نقد آثار وی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران: ش ۱۷۷، بهار ۱۳۸۵، صص ۱۳۳-۱۵۲.
۸۳. بازار، «گفت‌و شنود و معرفی نویسندگان معاصر»، بازار، ش ۱، ۱۳۴۴.
۸۴. _____، «معرفی صادق چوبک»، بازار (ویژه هنر و ادبیات)، ش ۱۵-۱۶، ۲۰ شهریور ۱۳۴۵.
۸۵. بالایی، پیوند، «جلوه‌های ناتورالیسم در آثار صادق چوبک»، ادبیات داستانی، س ۱۲، ش ۸۷، بهمن ۱۳۸۳، صص ۲۲-۲۸.
۸۶. _____، «مقام و موقعیت زن در آثار صادق چوبک»، ادبیات داستانی، ش ۸۹، اردیبهشت ۱۳۸۴، صص ۱۰-۱۳.
۸۷. بخارا، «از نامه‌های صادق چوبک»، بخارا، س ۱، ش ۱، مرداد-شهریور ۱۳۷۷، صص ۳۰۵-۳۰۹.
۸۸. براهنی، رضا، «نقدی بر آثار صادق چوبک»، فردوسی، ش ۳۰، اردیبهشت ۱۳۴۷، صص ۲۲-۲۴.
۸۹. _____، «هدایت، علوی، آل احمد، گلستان نه، و چرا چوبک؟»، فردوسی، ش ۸۶، ۶ خرداد ۱۳۴۷، صص ۳۰-۳۲.
۹۰. _____، «نقدی بر آثار چوبک»، فردوسی، ش ۸۶، ۱۳ خرداد ۱۳۴۷، صص ۳۳-۳۵.
۹۱. _____، «نقدی بر چوبک، نثر مشروطیت تا دهخدا - نامه‌ها و سفرنامه‌ها از ناصر خسرو تا آل احمد»، فردوسی، ش ۸۶، ۲۷ خرداد ۱۳۴۷، صص ۳۵-۳۷.
۹۲. _____، «نقدی بر چوبک، طنز دهخدا و تأثیر دهخدا بر روی نثر قصه‌نویسان ایرانی»، فردوسی، ش ۸۶، ۳ تیرماه ۱۳۴۷، صص ۳۶-۳۷.
۹۳. _____، «نقدی بر چوبک، برج عاج ایرانی در قلب اروپا»، فردوسی، ش ۸۶، ۱۰ تیر ۱۳۴۷، صص ۳۶-۳۷.
۹۴. _____، «نقدی بر چوبک، ملاحظات هنری در انتظار چوبک برای نقد قصه‌نویسی معاصر»، فردوسی، ش ۸۶، ۱۷ تیر ۱۳۴۷، صص ۳۴-۳۵.
۹۵. _____، «نقدی بر چوبک، اشاره به خصوصیات قصه کوتاه ادگار آلن پو، چخوف و چوبک»، فردوسی، ش ۸۶، ۲۴ تیر ۲۰۰۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۲۳۱.

اسفند ۱۳۷۳، ص ۲۲۳.

۱۳۸. بی‌نیاز، فتح‌الله، «تنگسیر همیشه زنده: نگاهی به وجوه متنوع آثار صادق چوبک»، کلک، دوره جدید، ش ۲۵، پیاپی ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲ و فروردین ۱۳۸۳، صص ۱۶-۱۹.

۱۳۹. پارسی‌نژاد، ایرج، «میرزا آقاخان کرمانی و صادق چوبک»، *ایران‌شناسی*، س ۱۲، ۱۳۷۹، صص ۱۰۳-۱۰۹.

۱۴۰. پاک‌طینت، وحید، «در کوچۀ قصه‌های نسل اول: نگاهی به آثار صادق چوبک»، *کارنامه*، ش ۳۶، ۱۳۸۲، صص ۷۲-۷۳.

۱۴۱. پاینده، حسین، «نقد داستان عروسک‌فروشی صادق چوبک»، *داستان کوتاه در ایران* (داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی) ج ۱، تهران: نیلوفر، ۱۳۸۸، صص ۳۲۴-۳۳۹.

۱۴۲. _____، *گشودن رمان*، (رمان ایران در پرتو نظریه و نقد ادبی)، تهران: مروارید، چاپ اول، ۱۳۹۲، صص ۳۷-۶۴.

۱۴۳. پرهیزجوان، مقصود، «سیر ناتورالیسم در ایران» (نقد کتاب سیر ناتورالیسم در ایران)، *کتاب ماه ادبیات*، ش ۳۵ (پیاپی ۱۴۹)، اسفند ۱۳۸۸، صص ۶۷-۷۱.

۱۴۴. پیام زمان، «بوشهر و شیراز از لابه‌لای زندگی‌نامه چوبک» (بخشی از زندگی چوبک به قلم خودش)، *پیام زمان*، ش ۲۲، صص ۲۶-۳۰.

۱۴۵. _____، «چوبک و شهید ثالث مرگ در غربت» (سال‌شمار زندگی صادق چوبک)، *پیام زمان*، ش ۲۳.

۱۴۶. پیروز، غلامرضا، «درون‌مایه‌های داستان‌های صادق چوبک با تکیه بر رمان سنگ صبور»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، ش ۵۴، تابستان ۱۳۸۶، صص ۱۵۵-۱۷۶.

۱۴۷. تسلیمی، علی، *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران*، تهران: اختران، چاپ اول، ۱۳۸۳، صص ۱۵، ۳۰، ۸۴-۹۳، ۱۳۱، ۱۴۷، ۱۹۳، ۲۵۲، ۳۰۲.

۱۴۸. تقی‌زاده، صفدر، «صادق چوبک و تأثیرپذیری از ادبیات داستانی مدرن آمریکا»، کلک، ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲ و فروردین ۱۳۸۳، صص ۴-۷.

۱۴۹. تندر صالح، شاهرخ، *گفت‌مان سکوت*، تهران: شفیعی، چاپ اول، ۱۳۷۹، صص ۱۴۶، ۲۳۷، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۷۲.

۱۵۰. تورن، فرنک، «چهره چوبک»، *دفتر هنر*، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۸۶.

۱۵۱. تهرانی، محمود (م. آزاد)، «داستان کوتاه و بلند در این سرزمین»، *آرش*، س ۱، ش ۷، ۱۳۴۲.

۱۵۲. _____، «جلال آل‌احمد بله، چوبک تقریباً و گلستان، اندکی؟!»، *فردوسی*، ش ۸۶۳، ۲۰ خرداد ۱۳۴۷، صص ۳۰-۳۲.

۱۵۳. تینا، ک، «فرز و نشیب تنگسیر»، *راهنمای کتاب*، س ۶، ش ۱۰-۱۱، دی و بهمن ۱۳۴۲، صص ۷۶۴-۷۷۲. و نیز: *یاد صادق چوبک*، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۴۵-۳۵۵.

۱۵۴. جامعه، «صادق چوبک، چراغ آخر را خاموش کرد»، (خداحافظی ابدی برای خالق تنگسیر)، *جامعه*، ش ۱۰۵، یکشنبه

۱۱۶. بشیری، محمود و نرگس کشانی، «مکتب ناتورالیسم و صادق چوبک»، *کتاب ماه ادبیات*، س ۱۶، ش ۷۵ (پیاپی ۱۸۹)، تیرماه ۱۳۹۲، صص ۴۷-۵۵.

۱۱۷. بنیاد، «مرد (۲۴۷۵)»، *بنیاد*، س ۱، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۵۶، ص ۵۴.

۱۱۸. _____، «جانشین ناپذیر»، *بنیاد*، س ۱، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۵۶، ص ۵۴.

۱۱۹. _____، «مردی از جنوب»، *بنیاد*، س ۱، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۵۶، ص ۵۵.

۱۲۰. _____، «در حاشیۀ زندگی چوبک»، *بنیاد*، س ۱، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۵۶، ص ۵۵.

۱۲۱. _____، «دنیای جادو»، *بنیاد*، س ۱، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۵۶، ص ۵۵.

۱۲۲. _____، «تنگسیر صبور»، *بنیاد*، س ۱، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۵۶، ص ۵۶.

۱۲۳. _____، «زندگی خصوصی»، *بنیاد*، س ۱، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۵۶، ص ۵۶.

۱۲۴. _____، «موسیقی و شعر»، *بنیاد*، س ۱، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۵۶، صص ۵۶-۵۷.

۱۲۵. _____، «حرف‌هایی درباره چوبک»، *بنیاد*، س ۱، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۵۶، ص ۵۷.

۱۲۶. _____، «نویسنده جهانی»، *بنیاد*، س ۱، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۵۶، ص ۵۷.

۱۲۷. _____، «منظور صادق چوبک است»، *بنیاد*، س ۱، ش ۱۰، دی‌ماه ۱۳۵۶، ص ۲.

۱۲۸. _____، «جنجال به خاطر چوبک»، *بنیاد*، س ۱، ش ۱۰، دی‌ماه ۱۳۵۶، ص ۳.

۱۲۹. بهار، شمیم، «یادداشت درباره تنگسیر»، *اندیشه و هنر*، ش ۸، مهر ۱۳۴۲، صص ۶۵۷-۶۶۲.

۱۳۰. بهارلو، محمد، *داستان کوتاه ایران* (پیراهن زرشکی)، تهران: طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۳، صص ۱۳۵-۱۵۹.

۱۳۱. _____، «جامعه‌شناختی زبان و نسل اول نویسندگان ما»، *نگاه نو*، ش ۲۷، ۱۳۷۴، صص ۹۷-۱۱۱.

۱۳۲. _____، «ذوق‌ورزی و نوع‌آوری صادق چوبک»، *دنیای سخن*، س ۱۱، ش ۷۱، ۱۳۷۵، صص ۶۶-۶۷.

۱۳۳. _____، «چوبک، نویسنده‌ای از اعماق»، *شهروند امروز*، ش ۵۴، ۲۳ تیرماه ۱۳۸۷، صص ۱۲۱-۱۲۲.

۱۳۴. بهارلو، محمد و حسین نوریان، «چوبک گفت‌وگوپردازی سبک‌دست»، (گفت‌وگو)، کلک، دوره جدید، ش ۲۵، پیاپی ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲-فروردین ۱۳۸۳، صص ۲۷-۲۸.

۱۳۵. بهبهانی، سیمین، «چوبک مرا نطلبیده بود»، *یاد بعضی نفرات*، تهران: نگاه، چاپ ۱۳۸۸، صص ۲۳۱-۲۳۹.

۱۳۶. بهروز، کیخسرو، «چهره چوبک»، *دفتر هنر*، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۷۰.

۱۳۷. _____، «چهره چوبک»، *دفتر هنر*، س ۲، ش ۳،

پنج‌شنبه، ش ۷۱-۷۲، دی و بهمن ۱۳۸۲، صص ۹-۱۱.

۱۷۲. حیدری، غلام، «مرگ لوطی، به مناسبت درگذشت صادق چوبک، نویسنده معاصر»، فیلم و سینما، ش ۸، صص ۴-۵.

۱۷۳. حیدری، م، «دنامی قلم» (نقد و بررسی یاد چوبک علی دهباشی)، رسالت، ۱۲ مرداد ۱۳۸۳.

۱۷۴. خامه‌ای، انور، «داستان‌نویسی صادق چوبک»، کلک، ش ۴، تیر ۱۳۶۹، صص ۱۶۹-۱۷۳. و نیز: دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۰۹-۲۱۱. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۰۱-۳۰۷.

۱۷۵. _____، «داستان‌نویسی صادق چوبک»، طلوعه، س ۱، ش ۹، شهریور ۱۳۶۹، صص ۵۲-۵۴.

۱۷۶. خرمی، محمدمهدی، «تنگسیر، بازسازی اسطوره‌گونه داستان واقعی»، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۲۷-۱۳۵. و نیز: ایران‌شناسی، س ۵، ش ۲، تابستان ۱۳۷۲، صص ۲۸۳-۲۹۱.

۱۷۷. خسروشاهی، جلال، «بر خاکسترهای سنگ صبور، خاطراتی از صادق چوبک»، بخارا، ش ۲، مهر-آبان ۱۳۷۷، صص ۲۶۴-۲۶۹. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۴۹۱-۴۹۷.

۱۷۸. _____، ادای دین به سهراب سپهری، تهران: نگاه، چاپ اول، ۱۳۷۹، صص ۶۱-۶۴.

۱۷۹. خلیلی، مهدی، «از خیمه‌شب‌بازی تا سنگ صبور چوبک»، دریاچه هنر، ش ۲، بهار ۱۳۸۰، صص ۴۷-۴۸.

۱۸۰. خلیلی، محمد و مصطفی فعله‌گری، همیان ستارگان (به‌گزینی داستان‌های کوتاه ایرانی)، ۳ جلد، تهران: هوش و ابتکار، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۸۱. خوبی، اسماعیل، «در پیری دوباره‌ای از زمهریر» (شعر)، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۱۱-۲۱۲.

۱۸۲. دانشنامه دانش‌گستر، «صادق چوبک»، دانشنامه دانش‌گستر، زیر نظر کامران فانی و محمدعلی سادات، جلد ۷، تهران: دانش‌گستر، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۷۶.

۱۸۳. داوران، اردوان، «به یاد صادق چوبک»، ایران‌نامه، س ۱۶، ش ۴، پاییز ۱۳۷۷، صص ۶۸۹-۷۰۰.

۱۸۴. دبّاشی، حمید، «نگاهی به چند کتاب تازه» (سنگ صبور، ترجمه به انگلیسی توسط محمدرضا قانون‌پرور)، ایران‌شناسی، س ۲، ش ۱، بهار ۱۳۶۹، صص ۲۱۲-۲۱۶.

۱۸۵. _____، «درباره ترجمه سنگ صبور»، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۵۷-۳۶۱.

۱۸۶. در راه هنر، «نقد و بررسی کتاب پینوکیو یا آمک چوبی: ترجمه صادق چوبک»، در راه هنر، ش ۶، شهریور ۱۳۳۴.

۱۸۷. درگاهی، محمود، گلبرگ‌ها (برگه‌هایی از متون نظم و نثر کهن و معاصر)، ناشر: مؤلف، چاپ اول، ۱۳۷۱، صص ۱۵۶-۱۵۸.

۱۸۸. درویشیان، علی‌اشرف و رضا خندان، داستان‌های محبوب

۱۴ تیرماه ۱۳۷۷، ص ۱۲.

۱۵۵. جعفری، احسان، «گفت‌وگو با رضا براهنی»، کلک، ش ۲۹، مرداد ۱۳۷۱، صص ۳۳-۳۴.

۱۵۶. جعفری، عبدالرحیم، «برای چاپ آثار هدایت هرگز با چوبک مذاکره نکرده‌ام» (قسمتی از خاطرات عبدالرحیم جعفری در بخش چاپ و انتشار آثار صادق هدایت)، پیام‌زمان، ش ۲۲، ۱۳۷۷، صص ۵۹-۶۲.

۱۵۷. جمال‌زاده، محمدعلی، «آوانگاردیسم چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۶۳-۱۶۴. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۲۱-۲۲۳.

۱۵۸. _____، «درباره تنگسیر اثر صادق چوبک»، کاوه (مونیخ)، ش ۸-۹، اردیبهشت-خرداد ۱۳۴۶، صص ۲۲۲-۲۲۹.

۱۵۹. جمالی، حیدر، «صادق چوبک مظهر ناتورالیسم در داستان‌نویسی»، کیهان فرهنگی، س ۱۵، ش ۱۴۵، شهریور ۱۳۷۷، صص ۶۳-۶۵.

۱۶۰. جوادی، حسن، تاریخ طنز در ادبیات فارسی، تهران: کاروان، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۳۰۸-۳۱۱.

۱۶۱. جوادی‌پور، محمود، «چهره چوبک با گریه‌ای در آغوش»، سخن، دوره چهارم، ش ۸، تیرماه ۱۳۳۲، ص ۵۹۸.

۱۶۲. چالاک‌کی، مهناز، «چوبک و آدم‌هایش» (به مناسبت سالروز تولد صادق چوبک)، ایران، ۱۳ مرداد ۱۳۷۹.

۱۶۳. چکلووسکی، پیتر، «صادق چوبک و داستان کوتاه فارسی»، ترجمه یعقوب آژند، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۴۳-۴۸.

۱۶۴. چهل‌تن، امیرحسین و فریدون فریاد، ما نیز مردمی هستیم (گفت‌وگو با محمود دولت‌آبادی)، تهران: چشمه، پارسی، چاپ اول، ۱۳۷۳، صص ۶۳، ۱۹۶، ۲۳۸، ۳۶۵.

۱۶۵. حاج سیدجوادی، حسن، بررسی و تحقیق در ادبیات معاصر ایران، تهران: گروه پژوهشگران ایران، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۲۱۱-۲۱۷.

۱۶۶. حائری، شهلا و سعدی جعفری، «صادق چوبک، فراسوی ناتورالیسم»، قلم، ش ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۷۳.

۱۶۷. حبیبیان، محمد، «درباره مقایسه تنگسیر چوبک با شیرمحمد رسول پرویزی»، سخن، دوره چهاردهم، ش ۱۰، تیرماه ۱۳۴۳، صص ۹۳۴-۹۳۶.

۱۶۸. _____، «پوزشی اگرچه دیر»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۴۱-۲۴۲. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۲۵-۳۲۹.

۱۶۹. حسین‌زاده، آناهیتا، «مرگ در داستان‌های صادق چوبک»، ادبیات داستانی، ش ۱۲، آبان و آذر ۱۳۸۶، صص ۶۸-۷۱.

۱۷۰. حسینی، فاطمه، بررسی آثار چوبک از دیدگاه ناتورالیسم و رئالیسم، تهران: ترفند، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۷۲.

۱۷۱. حسینی، محسن، «زندگی سگی» (بررسی تطبیقی داستان «باغ وحش» ادوارد آلبی و «آتما سگ من» صادق چوبک)، عصر

- من، ج ۶ تهران: چشمه، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۱۸۳-۱۹۸.
۱۸۹. دریاوندی، نجف، «از نتایج نوشتن برای نویسنده بودن» (نقدی بر کتاب سنگ صبور چوبک)، بررسی کتاب، ش ۱۰، مرداد ۱۳۴۶، صص ۳-۸. و نیز: در عین حال (مجموعه مقالات)، تهران: کتاب پرواز، ویرایش دوم، ۱۳۶۷، صص ۹۴-۱۰۸. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۷۹-۳۸۹.
۱۹۰. _____، «آشتی بر مزار خفته»، آدینه، ش ۴۲، اسفند ۱۳۶۸، صص ۳۳-۳۵.
۱۹۱. دُرّی، جهانگیر، «طنز در آثار صادق چوبک»، ترجمه رضا جولایی، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۶۷-۷۸.
۱۹۲. دسترنجی، حکیمه، «انتری که لوطی‌اش مرده بود»، فرهنگ آثار (معرفی آثار مکتوب از روزگار کهن تا عصر حاضر)، به سرپرستی احمد سمیعی، جلد اول، تهران: سروش، چاپ اول، ۱۳۸۵، صص ۳۲۴-۳۲۵.
۱۹۳. دستغیب، عبدالعلی، «هنر طنز در نوشته‌های چوبک»، پیام نوین، س ۴، ش ۷، ۱۳۴۱، صص ۱-۱۱. و نیز: از دریچه نقد (مجموعه مقالات، دفتر پنجم)، تهران: خانه کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۱، صص ۳۱۷-۳۱۸.
۱۹۴. _____، «نقد انتری که لوطی‌اش مرده بود»، راهنمای کتاب، س ۵، ش ۱۰، دی‌ماه ۱۳۴۱، صص ۹۰۴-۹۰۶.
۱۹۵. _____، «سنگ صبور»، راهنمای کتاب، س ۱۰، ش ۴، آبان ۱۳۴۶، صص ۳۶۳-۳۷۰. و نیز: از دریچه نقد، (مجموعه مقالات، دفتر اول)، تهران: خانه کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۱، صص ۳۶۱-۳۷۰.
۱۹۶. _____، «نقد روز اول قبر»، فردوسی، سال ۱۳۴۷. و نیز: از دریچه نقد (مجموعه مقالات، دفتر اول)، تهران: خانه کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۱، صص ۲۸۵-۳۹۴.
۱۹۷. _____، «نقد چراغ آخر»، نگین، س ۴، ش ۴، اسفند ۱۳۴۷، صص ۲۲-۲۵.
۱۹۸. _____، «در برابر واقعیتی که زشت می‌نماید»، اطلاعات، یکشنبه، ش ۱۳۹۴۶، ۱۸ آبان ۱۳۵۱، ص ۱۹.
۱۹۹. _____، «داستان نویسی صادق چوبک»، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۴۰۷-۴۶۳.
۲۰۰. _____، کالبدشکافی رمان فارسی، تهران: سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۳، صص ۱۰۵-۱۰۹.
۲۰۱. دفتر هنر، «فشرده درباره صادق چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۶۵-۲۶۹.
۲۰۲. دوستخواه، جلیل، «دیداری یگانه با صادق چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۲۲۱. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۰۹-۳۱۱.
۲۰۳. دولت‌آبادی، محمود، «مرگ، نه چون یک اتفاق ساده» (به یاد و به نشانه احترام برای صادق چوبک و سهراب شهید ثالث)، آدینه، ش ۱۲۸، ۱ مرداد ۱۳۷۷، صص ۸-۱۰.
۲۰۴. دهباشی، علی، «یک پوشه‌ری تمام‌عیار: خاطره نویسی‌های علی دهباشی»، ایران دخت، ش ۸۹، ۱۲ دی ۱۳۸۸.
۲۰۵. _____، یاد صادق هدایت، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۵۹۳-۶۱۵.
۲۰۶. _____، یاد صادق چوبک، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۷۰۰.
۲۰۷. ذکایی، عبدالرحمن، «درباره کتاب یاد چوبک علی دهباشی»، بخارا، ش ۲۱-۲۲، آذر-اسفند ۱۳۸۰، صص ۲۶۷-۲۶۹.
۲۰۸. ذوالفقاری، محسن، تحلیل سیر نقد داستان در ایران، تهران: آتیه، چاپ اول، ۱۳۷۹، صص ۶۷-۷۸، ۸۹-۹۹، ۱۴۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۹۸، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۹.
۲۰۹. رادی، اکبر و کیوان فرزادینیا، «آری، بهانه است، نامه صادق چوبک»، پایاب، س ۱، ش ۱، صص ۳۱-۴۹.
۲۱۰. رحمانی، نصرت، «لوطی» (شعر)، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۸۹.
۲۱۱. _____، «درازنای سه شب پرگو»، (گپ‌وگفت نصرت رحمانی با صادق چوبک)، آینه‌گان، چهارشنبه ۸ بهمن ۱۳۴۸؛ و نیز: دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۹۵-۲۰۳. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۶۷-۲۹۵.
۲۱۲. رحیمیان، هرمز، ادوار نثر فارسی، تهران: سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۵، صص ۲۳۰-۲۳۳.
۲۱۳. رحیمیه، نسرین، «صادق چوبک در ادبیات جهان»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۵۲-۲۵۴. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۳۸-۳۴۳.
۲۱۴. رزاق‌پور، مرتضی و دیگران، این جویبار جاری، (زبان و ادبیات فارسی عمومی)، قم: لامک، چاپ دوم، ۱۳۸۷، صص ۳۰۵-۳۰۷.
۲۱۵. رضایی خمیر، علی، برگزیده‌ها (مجموعه‌ای از گورکی، پوشکین، ویکتور هوگو، چخوف، چوبک، علوی)، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۴۷.
۲۱۶. روانی‌پور، منیرو، «با صادق چوبک، قلیه‌ماهی، دال عدسی و: چرا دریا طوفانی شد؟!»، گردون، س ۴، ش ۳۳ و ۳۴، آذر و دی ۱۳۷۲، صص ۴۲-۴۵.
۲۱۷. روحانی، فضل‌الله، «شرحی بلند بر دیداری کوتاه»، دفتر هنر، ش ۱۰، پاییز ۱۳۷۷، صص ۱۳۵۴-۱۳۵۶.
۲۱۸. روشنی، سجاد، «درباره چوبک غلو شده است» (گفت‌وگو با محمدرضا بایرامی)، شهروند/ امروز، ش ۵۴، ۲۳ تیرماه ۱۳۸۷، صص ۱۲۴-۱۲۵.
۲۱۹. رهبر، محمد، «دیگر از نسل اول کسی نمانده است...»، گوناگون، ش ۲.
۲۲۰. رهبریان، محمدرضا، «چوبک»، نویسنده مردم بدبخت،

- اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۵۲.
۲۳۸. سخن، «کتاب‌های تازه» (خیمه‌شب‌بازی)، سخن، س ۲، ش ۱۱-۱۲، دی و بهمن ۱۳۲۴، صص ۹۱۳-۹۱۴.
۲۳۹. —، «سرگذشت ده‌ساله سخن»، (معرفی صادق چوبک)، سخن، دوره چهارم، ش ۸، تیرماه ۱۳۳۲، ص ۵۹۸.
۲۴۰. سرتیپی، سیاوش، «معرفی کتاب: داستان‌های ایرانی به زبان انگلیسی»، کلک، ش ۲۸، تیر ۱۳۷۱، ص ۲۸۹.
۲۴۱. سقایی، بهمن، «ابسوردیة شرقی در داستان‌های صادق چوبک»، نگاه نو، دوره جدید، ش ۶، آبان ۱۳۸۰، صص ۷-۷۳.
۲۴۲. —، «نقد داستان‌های صادق چوبک»، نارنجستان، ش ۱، دسامبر ۲۰۰۲م، صص ۱۳-۱۶.
۲۴۳. سلحشور، یزدان، «اهمیت چوبک در تطوّر خاستگاه‌های نظری»، ایران، سه‌شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۸۰، ص ۱۲.
۲۴۴. —، «روایتگر سرنوشت: نگاهی به آثار صادق چوبک»، اعتماد، دوشنبه ۱۶ تیرماه ۱۳۸۲، ص ۹.
۲۴۵. سلیمانی، فرامرز، «نوستالژیا، برای صادق چوبک» (شعر)، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۷۲-۱۷۴.
۲۴۶. —، «میراث قصه‌گو»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۸۵-۱۸۸. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۵۷-۲۶۱.
۲۴۷. سلیمانی، کورش، «چهره چوبک بر جلد مجله پیک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۷۶.
۲۴۸. سمیعی گیلانی، احمد، «جهان‌بینی در ایران پیش از انقلاب» (تحلیل ادبی آثار چند نویسنده در بافت تاریخ افکار، نگاه نو، ش ۷، مرداد ۱۳۸۵، صص ۴-۵۵).
۲۴۹. شروقی، علی، «سطح درد: ساخت‌های محافظه‌کارانه در سنگ صبور»، اعتماد، دوشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۸۷، ص ۱۱.
۲۵۰. —، «با صد هزار مردم تنهایی» (مروری بر آثار صادق چوبک به بهانه سالگرد درگذشت این نویسنده معاصر)، حیات نوا اقتصادی، ۱۴ شهریور ۱۳۸۴.
۲۵۱. شریعتی، علی، گفت‌وگوهای تنهایی، (مجموعه آثار ۱۳)، تهران: آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۷۵، ص ۹۷.
۲۵۲. شفیع کدکنی، محمدرضا، ادبیات فارسی (از عصر جامی تا روزگار ما)، ترجمه حجت‌الله اصیل، تهران: نی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۰۸.
۲۵۳. شفیع، کمال‌الدین، «نگاهی گذرا به نمایش‌نامه توپ لاستیکی، نوشته صادق چوبک»، کلک، دوره جدید، ش ۲۵، پیاپی ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲-فروردین ۱۳۸۳، صص ۲۵-۲۶.
۲۵۴. شیرزادی، علی‌اصغر، «سوسک‌های قاتل هم داستان و رمان می‌نویسند؛ حاشیه‌ای بر آسیب‌شناسی داستان‌نویسی در ایران»، اعتماد، ۲۳ مهر ۱۳۸۴.
۲۵۵. —، «دمی با یک کوتوله سربی»، (دهمین سال مرگ صادق چوبک)، شهروند/امروز، س ۳، ش ۵۴، ۲۳ تیرماه ۱۳۸۷، ص ۱۲۶.
۲۵۶. شیرکانی، علی‌رضا، «زن در آثار چوبک»، عصر پنج‌شنبه،

- داستان سرو (نشریه داخلی خانه داستان سرو)، مرداد ۱۳۸۱، صص ۷-۸.
۲۲۱. —، «نگاهی به نقش حیوانات در ادبیات»، کتاب ماه ادبیات، س ۶۸ (پیاپی ۱۸۲)، آذرماه ۱۳۹۱، صص ۱۷-۲۵.
۲۲۲. —، «بر خاکستر ققنوس: سخنی چند درباره صادق چوبک»، نگاه نو، س ۲۱، ش ۹۳، بهار ۱۳۹۱، صص ۶۴-۶۸.
۲۲۳. رهنما، تورج، داستان‌نویسان امروز ایران، تهران: توس، چاپ اول، ۱۳۶۳، صص ۱۱۹-۱۴۷.
۲۲۴. —، داستان‌های طنزآمیز امروز، تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۷۶، صص ۱۱۵-۱۲۳، ۲۶۸.
۲۲۵. —، یادگار خشکسالی‌های باغ (نمونه‌هایی از داستان‌های کوتاه امروز)، تهران: نیلوفر، دوستان، چاپ اول، ۱۳۷۶، صص ۱۸۴-۲۰۷.
۲۲۶. —، جایگاه داستان کوتاه در ادبیات امروز ایران، تهران: اختران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۲۲۷. —، خاتون در آینه (تصویر زن در آثار داستان‌نویسان معاصر)، تهران: کتاب پارسه، چاپ اول، ۱۳۹۰، صص ۵۵-۶۲.
۲۲۸. زرشناس، شهریار، «صادق چوبک و ناتورالیسم فرویدزده لمپنی»، ادبیات داستانی، س ۱۲، ش ۸۶، دی‌ماه ۱۳۸۳، صص ۴۰-۴۳.
۲۲۹. زمانی، فرانک، «مسیح لیخندها» (شعری برای چوبک)، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۲۴۲.
۲۳۰. زمانی‌نیا، مصطفی، فرهنگ جلال آل‌احمد (بزرگ علوی، صادق چوبک)، تهران: پاسارگاد، چاپ اول، ۱۳۶۳، صص ۳۹۴-۳۹۵.
۲۳۱. ساعدی، غلامحسین، «نتوانستم همه کابوس‌هایم را بنویسم»، (گفت‌وگوی غلامحسین ساعدی در مصاحبه با محمود گل‌باطن)، آدینه، ش ۷۶، دی‌ماه ۱۳۷۱، صص ۲۴-۲۵.
۲۳۲. سپانلو، محمدعلی، بازآفرینی واقعیت (مجموعه ۲۷ قصه از ۲۷ نویسنده معاصر ایران)، تهران: نگاه، چاپ نهم، ۱۳۸۱، صص ۷۹-۹۲.
۲۳۳. —، نویسندگان پیشرو ایران، تهران: نگاه، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، صص ۱۸، ۷۲، ۱۰۵-۱۰۹، ۱۷۰-۱۷۲، ۲۷۰.
۲۳۴. —، «علوی و چوبک»، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۷۵-۳۷۸.
۲۳۵. —، «درباره سنگ صبور»، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۹۱-۳۹۳.
۲۳۶. —، «درباره داستان کفترباز»، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۵۰۵-۵۱۵.
۲۳۷. سخاووز، احمد، «چهره چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳،

- ساول، شاول، ۱۶ مهر ۱۳۷۷، ص ۴۴.
۲۵۷. شیر، قهرمان، مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران، تهران: چشمه، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص ۱۷، ۲۰، ۴۵، ۴۶، ۵۴، ۵۹، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۴۵، ۲۹۷.
۲۵۸. صاحب قلم، «چوبک»، تصویرگر زندگی مردم فرودست»، صاحب قلم، ۱۶ تیرماه ۱۳۸۴.
۲۵۹. صداقت‌فر، جهانگیر، «غریبه بجه محل» (شعری برای صادق چوبک)، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۲۵۱.
۲۶۰. صدف، «ملاحظات درباره داستان‌نویسی نوین فارسی»، صدف، ش ۱۱، ۱۳۷۷.
۲۶۱. صدیق، محمد، «چهره چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۵۱.
۲۶۲. _____، «چهره چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۸۶.
۲۶۳. صفاری، عباس، «چهره چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۲۰۶.
۲۶۴. صلاحی، عمران، «چهره چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۷۷.
۲۶۵. _____، طنز آوران امروز ایران (۵۱ داستان طنز از ۴۰ نویسنده)، تهران: مروارید، چاپ ششم، ۱۳۷۶، صص ۱۸۵-۱۸۸.
۲۶۶. صمیمی، فرنوش، «دوباره خوانی صادق چوبک»، بخارا، ش ۶۷ مهر و آبان ۱۳۸۷، ص ۴۷.
۲۶۷. صنعتی، محمد، «بررسی روان‌شناختی آثار صادق چوبک»، مفید، ش ۶ مهر ۱۳۶۶. و نیز: دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۴۳-۲۴۶. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۶۱-۱۷۳. و نیز: تحلیل روان‌شناسی در هنر و ادبیات (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۹۷-۱۱۴.
۲۶۸. ضرابی، علی‌اصغر، «بهرام صادقی از چوبک می‌گوید»، دنیای تغذیه، ۲ شهریور ۱۳۷۷. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۶۳-۳۶۹.
۲۶۹. طبری، احسان، «تنگسیر چوبک، منزلگاهی در ادبیات معاصر»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۲۳-۲۲۴. و نیز: کلک، ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲ و فروردین ۱۳۸۳، صص ۸-۹. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۱۳-۳۱۵.
۲۷۰. طاهری، محمد و معصومه عسکرسپهری، «بررسی شیوه به‌کارگیری جریان سیال ذهن در رمان سنگ صبور اثر صادق چوبک»، بوستان ادب (مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز)، پیاپی ۶۲، ش ۸، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۶۹-۱۹۰.
۲۷۱. عباس‌چی‌زاده، جمشید، «طرحی از چهره چوبک»، اطلاعات، یکشنبه، ش ۱۳۹۴۶، ۱۸ آبان ۱۳۵۱، ص ۱۹.
۲۷۲. عبادی، عارف، «گزارش شب کارلو کولودی» (با یادی از صادق چوبک، نخستین مترجم بینوکیو به زبان فارسی)، بخارا،
- ۱۴، ش ۸۳، مهر-آبان ۱۳۹۰، صص ۵۶۹-۵۷۴.
۲۷۳. عباسی، محسن، «عاشقانه‌های سوریا کانتا»، ادبیات داستانی، س ۱، ش ۳، ۱۳۷۱، ص ۵۴.
۲۷۴. عبدالهی، مهناز، «سال‌شمار صادق چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۵۵-۱۵۶. و نیز: بایا، ش ۴-۵، تیر-مرداد ۱۳۷۸، صص ۴۵-۴۶. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۱-۱۴.
۲۷۵. عز‌دفتری، بهروز، «صادق چوبک و داستان قفس»، مترجم، ش ۳۱، زمستان ۱۳۷۸، صص ۹۷-۱۰۱. و نیز: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۱۷۴، بهار ۱۳۷۹، صص ۱۳۵-۱۵۰.
۲۷۶. عطاران، علی، «آونگی میان زندگی و مرگ: نگاهی به داستان‌های چوبک»، کارگزاران، یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۸۶، ص ۶.
۲۷۷. علی‌پورسگری، بهناز، «بررسی چند صدایی در سنگ صبور صادق چوبک»، سینما و ادبیات، ش ۳۰، پاییز ۱۳۹۰.
۲۷۸. علیخانی، یوسف، نسل سوم (داستان‌نویسان امروز)، تهران: مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۴۸، ۱۴۹.
۲۷۹. عمادی، اسدالله، «درآمدی بر آسیب‌شناسی ادبیات داستانی ایران»، کلک، دوره جدید، ش ۱۷، پیاپی ش ۱۳۷، اسفند ۱۳۸۱-فروردین ۱۳۸۲، صص ۹-۱۰.
۲۸۰. عمادی، روزبه، «درباره صادق چوبک»، فرهنگ عمومی، دوره جدید، ش ۹، اردیبهشت ۱۳۹۱، ص ۱۹۵.
۲۸۱. عنایت، محمود، «تنهایی چوبک، قلزمی در قطره‌ای»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۶۸-۱۷۱.
۲۸۲. _____، «تنهایی صادق چوبک»، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۳۷-۲۴۴.
۲۸۳. غضنفری، سهیلا، «تنگسیر»، فرهنگ آثار (معرفی آثار مکتوب از روزگار کهن تا عصر حاضر)، جلد اول، تهران: سروش، چاپ اول، ۱۳۸۵، صص ۴۶۴-۴۶۵.
۲۸۴. غلامرضاییگی، مریم، «بررسی مکتب‌های ادبی در آثار چوبک با نگاهی به مشخصه‌های رئالیستی و ناتورالیستی در دو رمان تنگسیر و سنگ صبور»، زبان و ادبیات فارسی، ش ۱، زمستان ۱۳۸۴، صص ۸۷-۱۰۰.
۲۸۵. غلامی، احمد، «صادق چوبک در عرصه داستان‌نویسی»، بخارا، ش ۲، مهر-آبان ۱۳۷۸، صص ۲۳۶-۲۳۷.
۲۸۶. فجر، «یاد و خاطره صادق چوبک: ناتورالیسم مثبت با گام‌های ملایم»، فجر، ش ۴۱۲.
۲۸۷. فرازمنند، تورج، «درباره چوبک»، فردوسی، ش ۸۱، سه‌شنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۴۶، صص ۸-۹.
۲۸۸. _____، «یک شاهکار ادبی؟»، دفتر هنر، ش ۱۰، پاییز ۱۳۷۷، صص ۱۳۵۱-۱۳۵۳.
۲۸۹. فرخ، فریدون، «دیدگاه نفس‌گرایانه صادق چوبک در بنای سنگ صبور»، ایران‌شناسی، س ۵، ش ۲، تابستان ۱۳۷۲، صص ۲۷۶-۲۸۲. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۳۷-۱۴۴. و نیز: آموزش زبان و ادبیات، ش ۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۰، ص ۸۳.

- چوبک»، *ایران‌شناسی*، س ۵، ش ۲، تابستان ۱۳۷۲، ص ۲۶۸-۲۷۵.
و نیز: *یاد صادق چوبک*، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۵-۴۲.
۳۰۷. _____، «داستان‌نویسی صادق چوبک»، ترجمه توسن پیرنیا، *یاد صادق چوبک*، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۹۵-۲۰۹.
۳۰۸. قربانی، محمدرضا، *تقد و تفسیر آثار محمود دولت‌آبادی*، تهران: آروین، چاپ اول، ۱۳۷۳، صص ۱۴، ۱۷، ۳۱، ۴۶، ۴۷، ۱۰۱، ۱۰۴.
۳۰۹. قویمی، مهوش، *گندری بر داستان‌نویسی فارسی*، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۷، صص ۲۴، ۴۶، ۴۹، ۵۵-۷۶.
۳۱۰. کازاری، ماریو، «پینوکیو و نگاهی به ترجمه‌های آن در زبان‌های دیگر»، ترجمه هانیه اینانلو، *بخارا*، س ۱۴، ش ۸۳، مهر-آبان ۱۳۹۰، صص ۵۷۵-۵۸۳.
۳۱۱. کامشاد، حسن، «درباره صادق چوبک»، ترجمه یعقوب آژند، *یاد صادق چوبک*، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۴۹-۵۴.
۳۱۲. _____، *پایه‌گذاران نثر جدید فارسی*، تهران: نی، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۱۸۶-۱۹۱.
۳۱۳. کاوه، «معرفی چند کتاب که به دفتر کاوه رسیده است»، *کاوه (مونیخ)*، ش ۱۷-۱۸، اردیبهشت-خرداد، ۱۳۴۶، صص ۱۱۹-۱۲۶.
۳۱۴. کتاب امروز، «تجدید چاپ کتاب‌های صادق چوبک»، *کتاب امروز*، پاییز ۱۳۵۲، ص ۵۸.
۳۱۵. کتاب ماه ادبیات، «ترجمه سنگ صبور صادق چوبک در ترکیه منتشر شد»، *کتاب ماه ادبیات*، ش ۹، پیاپی ۱۲۳، دی ۱۳۸۶، ص ۱۱۷.
۳۱۶. کتاب ماه ادبیات و فلسفه، «فصل مشترک ادبیات و روان‌شناسی» (مصاحبه با محمد صنعتی)، *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، ش ۵۸، مرداد ۱۳۸۱، صص ۴-۱۹.
۳۱۷. کتاب هفته، «صادق چوبک، صمد بهرنگی و جلال آل‌احمد: پاییز و زمستان در حوزه هنری»، *کتاب هفته*، ش ۴۰۳، ۲۴ شهریور ۱۳۸۰، ص ۷.
۳۱۸. _____، «یاد صادق چوبک» (معرفی کتاب)، *کتاب هفته*، ش ۳۸۸، ۱۲ خرداد ۱۳۸۰، ص ۲۴.
۳۱۹. کسمایی، علی‌اکبر، «نگاهی به صادق چوبک»، *یاد صادق چوبک*، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۵۵-۶۵.
۳۲۰. کلک، «اعلان‌های جامعه ادبی ایران در سوگ زنده‌یاد غلامحسین ساعدی»، *کلک*، ش ۹، آذر ۱۳۶۹، ص ۲۶۸.
۳۲۱. _____، «گفت‌وگو با محمد بهمن‌بیگی، نویسنده بخارای من، ایل من»، *کلک*، ش ۱۳، فروردین ۱۳۷۰، ص ۸۰.
۳۲۲. _____، «ادبیات داستانی ایران به زبان انگلیسی»، *کلک*، ش ۲۱، آذر ۱۳۷۰، ص ۲۲۲.
۳۲۳. _____، «عکسی از صادق چوبک به‌همراه مسعود فرزاد

۲۹۰. فردوسی، «صادق چوبک نویسنده معروف به‌واسطه بیماری پس از سی سال از رژیم سبزی‌خوری دست کشید»، *فردوسی*، خرداد ۱۳۴۶، ص ۷۱.
۲۹۱. فردوسی، علی، «آه، ما جانیان زرنگ حق به جانب: جامعه‌شناختی خیر و شر در قصه‌های چوبک»، *دفتر هنر*، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۳۴-۲۴۰. و نیز: *یاد صادق چوبک*، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۷۵-۱۹۴.
۲۹۲. _____، «زندگی علیه مرگ: فراق‌نامه‌ای برای چوبک»، *بررسی کتاب*، زمستان ۱۳۷۷.
۲۹۳. _____، «بوی بوشهر» (زیباشناسی وجود صادق چوبک)، *تجربه*، س ۲، ش ۱۰، فروردین ۱۳۹۱، صص ۱۶۶-۱۶۸.
۲۹۴. فرزاد، مسعود، «عکس برعکس» (شعری از مسعود فرزاد به خط صادق چوبک)، *دفتر هنر*، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۳۲-۲۳۳.
۲۹۵. فرزانه، م. ف، *آشنایی با صادق هدایت*، تهران: مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۲۹۶. فرهنگ فارس، «شیراز در آثار صادق چوبک، گلستان، پرویزی، دانشور، امین فقیری»، *فرهنگ فارس*، ش ۱۵، صص ۹۱-۹۸.
۲۹۷. فعال علوی، *جواد، داستان کوتاه (جلد ۲)*، تهران: حکایت قلم نوین، چاپ اول، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۱۱-۱۳؛ ج ۴، صص ۲۶۷-۳۰۳.
۲۹۸. فلاح، مرتضی و صدیقه مرشدی، «بررسی کاربرد گویش محلی در آثار صادق چوبک»، *مطالعات زبانی بلاغی*، ش ۱، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۱.
۲۹۹. فوجئی، موریو، «یادداشتی ساده در ارزشیابی انتری که لوطی‌اش مرده بود»، *دفتر هنر*، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۸۹-۱۹۰. و نیز: *یاد صادق چوبک*، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۶۳-۲۶۵.
۳۰۰. فیضی، کریم، *هوشنگ دوم (گفت‌وگو با هوشنگ مرادی کرمانی)*، تهران: اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۴۴، ۱۶۶، ۱۷۷، ۱۸۶، ۲۲۳، ۲۲۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۲۳، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۷۰، ۳۷۸، ۴۵۲، ۴۷۲.
۳۰۱. قاسم‌زاده، محمد، «دین ما به چوبک»، *بایا*، ش ۴-۵، تیر-مرداد ۱۳۷۸، صص ۳۹-۴۱.
۳۰۲. _____، *روی جاده نمناک (سفر مازندران و چند یاد دیگر از صادق هدایت)*، تهران: کاروان، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۱۳۹-۱۵۹.
۳۰۳. _____، *داستان‌نویسان معاصر ایران*، تهران: هیرمند، چاپ اول، ۱۳۸۳، صص ۱۱۵-۱۴۴.
۳۰۴. قانون‌پرور، محمدرضا، «درباره ترجمه انگلیسی سنگ صبور صادق چوبک»، *کلک*، ش ۳، خرداد ۱۳۶۹، صص ۱۷۹-۱۸۳.
۳۰۵. _____، «نوشتن درمانی در بوف کور»، *کلک*، ش ۷، مهر ۱۳۶۹، ص ۶۳.
۳۰۶. _____، «چند تصویر از زنان در داستان‌های

۳۴۱. _____، «کجاست سنگ رنوس...؟» (یادداشتی به مناسبت درگذشت صادق چوبک)، نیم‌روز، چاپ لندن، ۱۳۷۷.
۳۴۲. متینی، جلال، «صادق چوبک داستان‌نویس برجسته معاصر»، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۲۵-۲۲۸.
۳۴۳. _____، «صادق چوبک داستان‌نویس برجسته معاصر»، ایران‌شناسی، س ۵، ش ۲، تابستان ۱۳۷۲، صص ۲۳۱-۲۳۵.
۳۴۴. مجابی، جواد، «دوباره خوانی سنگ صبور و دنیای چوبک»، بخارا، ش ۸۶ فروردین-اردیبهشت ۱۳۹۱، صص ۳۱۱-۳۱۷.
۳۴۵. محب‌علی، مهسا، «چند سال؟»، (دهمین سال‌مرگ صادق چوبک)، شهروند امروز، س ۳، ش ۵۴، ۲۳ تیرماه ۱۳۸۷، ص ۱۲۷.
۳۴۶. محمدعلی، محمد، «آخرین پیام صادق چوبک: فقط داستان است که می‌ماند»، آدینه، ش ۱۲۰، ۱ شهریور ۱۳۷۷، ص ۳۵.
۳۴۷. محمدی، حسن، «سیری در قصه‌نویسی معاصر ایران ۷» (درباره صادق چوبک و بزرگ علوی)، جمهوری اسلامی، ش ۳۳۰۹، پنج‌شنبه ۱۰ آبان ۱۳۶۹، ص ۹.
۳۴۸. محمودی، حسن، «دستاورد های چوبک» (به مناسبت سال‌مرگ صادق چوبک)، همشهری، ۱۷ تیرماه ۱۳۸۱.
۳۴۹. _____، «چوبک نمایش‌نویس»، همشهری، ۲۰ خرداد ۱۳۸۱.
۳۵۰. _____، «لوطی جهان مرده است» (نگاهی به داستان اتری که لوطی‌اش مرده بود، نوشته صادق چوبک)، شرق، ۱۲ مرداد ۱۳۸۳، ص ۵.
۳۵۱. _____، نقد و تحلیل و گزیده داستان‌های صادق چوبک، تهران: روزگار، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۴۸۵ص.
۳۵۲. _____، «استثنای تکرارنشدنی» (دهمین سال‌مرگ صادق چوبک)، شهروند امروز، س ۳، ش ۵۴، ۲۳ تیرماه ۱۳۸۷، ص ۱۲۷.
۳۵۳. مدرّسی، تقی، «ملاحظات دربارۀ داستان‌نویسی نوین فارسی» (درباره چوبک، گلستان، آل احمد، علوی، هدایت...)، صدف، ش ۱۱، مهر ۱۳۳۷.
۳۵۴. _____، «چشم‌اندازی به داستان‌نویسی صادق چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۶۵-۱۶۷. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۲۹-۲۳۵.
۳۵۵. مرادیان، پیمان، «چراغ آخر»، فرهنگ آثار (معرفی آثار مکتوب از روزگار کهن تا عصر حاضر)، به‌سرپرستی احمد سمیعی، جلد اول، تهران: سروش، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۶۹.
۳۵۶. _____، «خیمه‌شب‌بازی»، فرهنگ آثار (معرفی آثار مکتوب از روزگار کهن تا عصر حاضر)، به‌سرپرستی احمد سمیعی، جلد اول، تهران: سروش، چاپ اول، ۱۳۸۵، صص ۳۵۹-۳۶۰.
۳۵۷. مرکوش، کینگا، «عالم سحرآمیز سنگ صبور صادق و انجوی شیرازی»، کلک، ش ۴۳-۴۴، مهر-آبان ۱۳۷۲، ص ۲۱۶.
۳۲۴. _____، «اخبار اهل قلم، ویژه‌نامه صادق چوبک»، کلک، ش ۶، اسفند ۱۳۷۳، ص ۳۸۶.
۳۲۵. _____، «سخنی با خوانندگان»، کلک، دوره جدید، ش ۲۵، پیاپی ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲-فروردین ۱۳۸۳، ص ۲.
۳۲۶. _____، «سال‌شمار زندگی صادق چوبک»، کلک، دوره جدید، ش ۲۵، پیاپی ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲-فروردین ۱۳۸۳، ص ۳.
۳۲۷. _____، «یک شب بی‌خوابی» (داستانی از صادق چوبک)، کلک، دوره جدید، ش ۲۵، پیاپی ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲-فروردین ۱۳۸۳، ص ۱۰.
۳۲۸. _____، «نمایشنامه چاپ‌نشده‌ای به ترجمۀ صادق چوبک»، کلک، دوره جدید، ش ۲۵، پیاپی ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲-فروردین ۱۳۸۳، ص ۲۰.
۳۲۹. کمیساروف، ترجمۀ تنگسیر به زبان روسی، بی‌جا: بی‌نا، ۱۹۶۵.
۳۳۰. کوثری، جهانگیر، «نویسنده‌ای که هرگز از او تقلید نشد» (به مناسبت سالروز درگذشت صادق چوبک، خالق سنگ صبور و خیمه‌شب‌بازی)، همشهری، ۲۷ تیرماه ۱۳۸۲.
۳۳۱. کولیوند، مجتبی، چون ماهی افتاده بر خاک (مکاتبات بزرگ علوی و صادق چوبک)، آلمان: اندیشه.
۳۳۲. کوهدانی، فریدون، «حصار یاس، امید وصل» (نقد داستان مردی در قفس صادق چوبک)، کلک، دوره جدید، ش ۳، پیاپی ش ۹۷، شهریور ۱۳۷۷، صص ۹۸-۱۰۰.
۳۳۳. کیانوش، محمود، بررسی شعر و نثر فارسی معاصر، تهران: امانی، چاپ دوم، ۱۳۵۱، صص ۱۸۶-۱۹۷.
۳۳۴. گردون، «صادق چوبک و ترجمۀ رمان شوکونتلا»، گردون، سال پنجم، ش ۴۳، آذر ۱۳۷۳، ص ۶.
۳۳۵. _____، «مهپاره صادق چوبک»، گردون، ش ۲۱ و ۲۲، فروردین ۱۳۷۲، ص ۷۹.
۳۳۶. گلچین‌گیلانی، «شکسته» (شعر)، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۵۱.
۳۳۷. گلشیری، هوشنگ، «سی سال رمان‌نویسی» (بررسی اجتماعی بوف کور، ملکوت، سنگ صبور)، جنگ اصفهان، ش ۵، تابستان ۱۳۴۶، صص ۱۸۷-۲۲۹. و نیز: باغ در باغ (مجموعه مقالات گلشیری)، تهران: نیلوفر، چاپ دوم، ۱۳۸۰، صص ۲۰۹-۲۵۲.
۳۳۸. گوهرین، کاوه، «مهپاره‌ای از نثر»، کلک، ش ۲۸، تیر ۱۳۷۱، صص ۲۵۵، ۲۶۱. و نیز: دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۴۷-۲۴۸. و نیز: پیام ایران، ش ۲۹، ۱۹ فروردین ۱۳۷۲. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۳۱-۳۳۵.
۳۳۹. _____، «چند نامه از صادق چوبک»، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۴۸۴-۴۸۹.
۳۴۰. _____، اتری که لوطی‌اش مرده بود و داستان‌های دیگر، (به انتخاب کاوه گوهرین)، تهران: آزاد مهر، چاپ اول، ۱۳۸۲.

چوبک» دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۷۵-۱۸۰ و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۴۵-۲۵۵.

۳۵۸. مشایخی، آریو، «چهره چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۷۵.

۳۵۹. _____، «چهره چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۷۹.

۳۶۰. مشتاق مهر، رحمان، «مطالعه شکلی و ساختار داستان‌های کوتاه صادق چوبک»، *ادبیات پارسی معاصر*، س ۱، ش ۱، بهار-تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۱۷-۱۳۱.

۳۶۱. مظفری ساوجی، مهدی، *بشت صحنه آبی* (گفت‌وگو با اکبر رادی)، تهران: مروارید، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۶۱، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۵، ۱۰۲، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۱، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۶۷، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵.

۳۶۲. _____، *گفت‌وگو با نجف دریابندری*، تهران: مروارید، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۳۸، ۴۶، ۵۳، ۲۸۹، ۲۹۰-۲۹۲، ۲۹۵، ۳۰۰.

۳۶۳. معصومی، علی اصغر، «چهره چوبک بر جلد مجله نگین»، *دفتر هنر*، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۷۰.

۳۶۴. مفتاحی، محمد، «صادق چوبک: نویسنده مردم اعماق»، *اسرار*، ۱۲ بهمن ۱۳۸۳.

۳۶۵. مقصدی، رضا، «با خاطرات خمیده» (شعر)، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۲۱۲.

۳۶۶. ملکی، حسین (ح. م. زاوش)، *دولت‌مردان ایران و ساختار نهادها در عصر مشروطیت*، ج ۲، تهران: اشاره، چاپ اول، ۱۳۷۰، صص ۱۶۸-۱۷۱.

۳۶۷. ممسنی، شیرین و فردوس آقاگل‌زاده، «تحلیل زبان‌شناختی سازمان متن روایی تنگسیر در چهارچوب الگوی حل مسئله مایکل هویی»، *پژوهش‌های ادبی*، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۶، صص ۹-۳۰.

۳۶۸. مندنی‌پور، شهریار، «رازدانه افرا»، آدینه، ش ۱۳۶، بهمن ۱۳۷۷، صص ۷۶-۷۷. و نیز: *یاد صادق چوبک*، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۴۹۹-۵۰۴.

۳۶۹. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، «صادق چوبک، کور و بی‌خرد»، *جای پای گردباد*، ج ۱ (بررسی پدیده مذهب‌گریزی و اخلاق‌ستیزی در داستان‌نویسی معاصر ایران)، تهران: قدر ولایت، ۱۳۸۱، صص ۱۲۴-۱۴۸.

۳۷۰. _____، «رضا برهنی در چاه چوبک»، *جای پای گردباد*، ج ۳ (بررسی پدیده مذهب‌گریزی و اخلاق‌ستیزی در داستان‌نویسی معاصر ایران)، تهران: قدر ولایت، ۱۳۸۱، صص ۸-۲۵.

۳۷۱. مؤید، حشمت، «آه انسان»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۲۹-۲۳۰. و نیز: *یاد صادق چوبک*، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۱۷-۳۲۳.

۳۷۲. _____، *داستان‌های ایرانی (گورکن‌ها)*، صادق چوبک، (به زبان انگلیسی)، چاپ آمریکا، ۱۹۹۱ میلادی. ۳۷۳. _____، «ترجمه‌های ادبیات معاصر فارسی»، *ایران‌نامه*، س ۱، ش ۴، ۱۳۶۲، صص ۶۴۹-۶۶۸.

۳۷۴. مهرور، زکریا، *بررسی داستان امروز*، تهران: تیرگان، چاپ دوم، ۱۳۸۳، صص ۱۰۹-۱۳۲.

۳۷۵. مهدی‌پور عمرانی، روح‌الله، *گزیده داستان‌های کوتاه صادق چوبک*، تهران: روزگار، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۷۹.

۳۷۶. _____، *ادبیات زندان* (نقد و بررسی داستان‌های کوتاه بزرگ علوی)، تهران: آفرینش، چاپ اول، ۱۳۸۷، صص ۱۴، ۲۱، ۵۰، ۵۶، ۵۸، ۶۹، ۷۰، ۷۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۸۱.

۳۷۷. میررمضانی، فخرالدین، «کلیدی معرفت داشت که هدایت چاپ آثار خود را به او وا گذاشت» (در پاسخ به خاطرات صادق چوبک از صادق هدایت)، *زمان*، ش ۲۳، ۱۳۷۷، صص ۶۲-۶۴.

۳۷۸. میرصادقی، جمال، «ادو دوره مشخص یک نویسنده»، *اطلاعات*، یکشنبه، ش ۱۳۹۴۶، ۱۸ آبان ۱۳۵۱، ص ۱۹.

۳۷۹. _____، «نگاهی کوتاه به داستان‌نویسی معاصر (صادق چوبک)»، *سخن*، دوره بیست‌وششم، ش ۹، شهریور ۱۳۵۷، ص ۹۲۱.

۳۸۰. _____، *عناصر داستان*، تهران: سخن، چاپ سوم با ویرایش جدید، ۱۳۷۶، صص ۲۷، ۲۸، ۴۲، ۲۲۸، ۲۶۲، ۴۱۲، ۴۵۶، ۵۰۲، ۵۱۲، ۵۴۳.

۳۸۱. _____، *ادبیات داستانی*، تهران: سخن، چاپ سوم، ۱۳۷۶، صص ۷۸، ۱۴۳، ۱۴۴، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۴، ۳۰۵، ۳۵۵، ۳۳۸، ۴۵۱، ۴۶۷، ۴۷۵، ۴۹۱، ۵۱۰.

۳۸۲. _____، «ادبیات داستانی و صادق چوبک»، *یاد صادق چوبک*، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۴۵-۱۵۰.

۳۸۳. _____، *داستان‌نویسان نام‌آور معاصر ایران*، تهران: اشاره، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۸۹-۱۰۰.

۳۸۴. میرصادقی، میمنت، *رمان‌های معاصر فارسی*، (سنگ صبور) ج ۱، تهران: نیلوفر، چاپ اول، ۱۳۷۹، صص ۱۲۱-۱۳۱.

۳۸۵. _____، *رمان‌های معاصر فارسی (تنگسیر)*، ج ۲، تهران: نیلوفر، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۵۷-۶۸.

۳۸۶. میرعابدینی، حسن، *صد سال داستان‌نویسی ایران* (دوره ۴ جلدی)، تهران: چشمه، چاپ ۱۳۷۷ و ۱۳۸۳، صص ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۹۰، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۳۵، ۲۴۱-۲۵۲، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۹۳، ۳۶۲، ۳۹۹، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۲۳، ۴۳۳، ۴۳۹، ۴۴۹، ۴۵۶، ۴۷۳، ۴۸۳، ۶۸۳، ۶۸۳، ۶۸۳، ۷۸۴، ۷۸۴، ۱۰۳۱، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۲۰۸، ۱۲۱۱، ۱۲۱۹، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۴۵۴.

۳۸۷. _____، «در رثای صادق چوبک»، بخارا، ش ۱، مرداد-شهریور ۱۳۷۷، صص ۳۰۱-۳۰۴.

۳۸۸. _____، «صادق چوبک: نوشتن از اعماق مردم»، *یاد صادق چوبک*، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول،

۳۸۹. _____، «چهره چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۷۵.

۳۹۰. مشتاق مهر، رحمان، «مطالعه شکلی و ساختار داستان‌های کوتاه صادق چوبک»، *ادبیات پارسی معاصر*، س ۱، ش ۱، بهار-تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۱۷-۱۳۱.

۳۹۱. مظفری ساوجی، مهدی، *بشت صحنه آبی* (گفت‌وگو با اکبر رادی)، تهران: مروارید، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۶۱، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۵، ۱۰۲، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۱، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۶۷، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵.

۳۹۲. _____، *گفت‌وگو با نجف دریابندری*، تهران: مروارید، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۳۸، ۴۶، ۵۳، ۲۸۹، ۲۹۰-۲۹۲، ۲۹۵، ۳۰۰.

۳۹۳. معصومی، علی اصغر، «چهره چوبک بر جلد مجله نگین»، *دفتر هنر*، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۷۰.

۳۹۴. مفتاحی، محمد، «صادق چوبک: نویسنده مردم اعماق»، *اسرار*، ۱۲ بهمن ۱۳۸۳.

۳۹۵. مقصدی، رضا، «با خاطرات خمیده» (شعر)، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۲۱۲.

۳۹۶. ملکی، حسین (ح. م. زاوش)، *دولت‌مردان ایران و ساختار نهادها در عصر مشروطیت*، ج ۲، تهران: اشاره، چاپ اول، ۱۳۷۰، صص ۱۶۸-۱۷۱.

۳۹۷. ممسنی، شیرین و فردوس آقاگل‌زاده، «تحلیل زبان‌شناختی سازمان متن روایی تنگسیر در چهارچوب الگوی حل مسئله مایکل هویی»، *پژوهش‌های ادبی*، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۶، صص ۹-۳۰.

۳۹۸. مندنی‌پور، شهریار، «رازدانه افرا»، آدینه، ش ۱۳۶، بهمن ۱۳۷۷، صص ۷۶-۷۷. و نیز: *یاد صادق چوبک*، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۴۹۹-۵۰۴.

۳۹۹. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، «صادق چوبک، کور و بی‌خرد»، *جای پای گردباد*، ج ۱ (بررسی پدیده مذهب‌گریزی و اخلاق‌ستیزی در داستان‌نویسی معاصر ایران)، تهران: قدر ولایت، ۱۳۸۱، صص ۱۲۴-۱۴۸.

۴۰۰. _____، «رضا برهنی در چاه چوبک»، *جای پای گردباد*، ج ۳ (بررسی پدیده مذهب‌گریزی و اخلاق‌ستیزی در داستان‌نویسی معاصر ایران)، تهران: قدر ولایت، ۱۳۸۱، صص ۸-۲۵.

۴۰۱. مؤید، حشمت، «آه انسان»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۲۹-۲۳۰. و نیز: *یاد صادق چوبک*، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۳۱۷-۳۲۳.

۴۰۲. _____، *داستان‌های ایرانی (گورکن‌ها)*، صادق

۱۳۸۰، صص ۵۱۷-۵۳۸.

۳۸۹. _____، «صادق چوبک در یک نگاه»، کلک، دوره جدید، ش ۲۵، پیاپی ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲ و فروردین ۱۳۸۳، صص ۱۴-۱۵.

۳۹۰. _____، هشتاد سال داستان کوتاه ایرانی، ج اول، تهران: کتاب خورشید، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۹۱-۱۰۳.

۳۹۱. _____، «صادق چوبک»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، جلد ۲، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص ۶۰۷-۶۱۰.

۳۹۲. _____، در ستایش داستان، تهران: چشمه، چاپ اول، ۱۳۸۹، صص ۴۳-۴۶.

۳۹۳. میرمظفری، اسماعیل، «چهره چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۲۴۲.

۳۹۴. میلانی، عباس، معمای هویدا، تهران: اختران، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۶، ۲۲۱، ۲۴۶، ۳۳۵، ۵۱۰.

۳۹۵. میلر، دبورا، «بررسی داستان‌های کوتاه صادق چوبک»، ترجمه شهلا معصوم‌نژاد، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۷۹-۸۸.

۳۹۶. ناقد، خسرو، «بر بال‌های کتاب»، کلک، ش ۸۵-۸۸، فروردین-تیر ۱۳۷۶، ص ۳۳۱.

۳۹۷. نامه فرهنگستان، «بازنهاد واقعیت» (مسیر داستان‌نویسی در دوره بین پایان جنگ جهانی دوم و انقلاب اسلامی ایران، با معرفی صادق چوبک، جلال آل احمد، هوشنگ گلشیری)، نامه فرهنگستان (ضمیمه)، ش ۲۹، صص ۳۸-۷۸.

۳۹۸. نفیسی، آذر، «داستانی ذهنی، روان‌شناختی» (بررسی ادبی داستان بعدازظهر آخر پاییز، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۲۵-۲۲۸. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۱۱-۲۱۸).

۳۹۹. _____، «زبان داستانی صادق چوبک در سنگ صبور»، نقد آگاه، بهار ۱۳۶۳، صص ۶۱-۸۴.

۴۰۰. نفیسی، پرویز، «زن در آثار صادق چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۱۷-۲۱۹.

۴۰۱. نکوروح، حسن، «داستان‌های صادق چوبک، راهی از شناخت به سوی اندیشه‌ها» (۱)، نگین، ش ۱۲۵، ۳۰ مهر ۱۳۵۴، صص ۱۵-۱۸.

۴۰۲. _____، «داستان‌های صادق چوبک، راهی از شناخت به سوی اندیشه‌ها» (۲)، نگین، ش ۱۲۶، ۳۰ آبان ۱۳۵۴، صص ۲۷-۳۵.

۴۰۳. نگین، «مباحثه علی اصغر ضرابی با دکتر مصطفی رحیمی» (درباره صادق چوبک)، نگین، ش ۸۲، اسفند ۱۳۵۰، ص ۲۰.

۴۰۴. نوروزیان، مسعود، افسانه صحتی و شادمان شکروی، «بررسی برخی وجوه اشتراک و افتراق داستان‌های کوتاه صادق چوبک و ارنست همینگوی»، زبان و ادبیات فارسی، ش ۲، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۲۴.

۴۰۵. _____، «بررسی وجوه اشتراک و افتراق داستان‌های کوتاه صادق چوبک و ادگار آلن پو»، مطالعات ادبیات تطبیقی، ش ۱۰، تابستان ۱۳۸۸.

۴۰۶. نوری، نورالدین، نخستین کنگره نویسندگان ایران (برگزیده سخنرانی‌ها)، تهران: اسطوره، چاپ اول، ۱۸۵، صص ۱۷۵-۱۷۶.

۴۰۷. نوریان، حسن و محمد بهارلو، «چوبک گفت‌وگوپردازی سبک‌دست»، کلک، ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲ و فروردین ۱۳۸۳، صص ۲۷-۲۸.

۴۰۸. وثوقی، ناصر، «تنگسیر»، اندیشه و هنر، ش ۸، مهر ۱۳۴۲، صص ۶۶۲-۶۶۶.

۴۰۹. هاشمیان، لیلا و شهین اسلامی، «بررسی تأثیرپذیری صادق چوبک در آثارش از ارنست همینگوی»، مطالعات ادبیات تطبیقی، ش ۱۷، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۴۹-۱۶۳.

۴۱۰. همایون کاتوزیان، محمدعلی، صادق هدایت، زندگانی و افسانه ادبیات یک نویسنده ایرانی (به زبان انگلیسی)، چاپ آمریکا، ۱۹۹۱ میلادی، فصل ششم، ص ۹۲.

۴۱۱. _____، صادق هدایت، زندگانی و افسانه یک نویسنده ایرانی، ترجمه سیاوش سرتیپی.

۴۱۲. هیلمن، مایکل، «خطراتی از بایگانی ذهن»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۰۵-۲۰۶. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۹۷-۲۹۹.

۴۱۳. یاحسینی، سید قاسم، «بزرگ‌ترین دستاورد چوبک»، بایا، ش ۴-۵، تیر-مرداد ۱۳۷۸، صص ۴۲-۴۳.

۴۱۴. یاحقی، محمدجعفر، جویبار لحظه‌ها (ادبیات فارسی نظم و نثر)، تهران: جامی، چاپ اول، ۱۳۷۸، صص ۲۶۱-۲۶۴.

۴۱۵. یاراحمدی، جهانشیر، «با چوبک، بازیگر و نمایش‌نویس»، صحنه، س ۶، دوره جدید ش ۴-۴۱، اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶، صص ۶۰-۶۳.

۴۱۶. یارشاطر، احسان، ادبیات داستانی در ایران زمین (از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، زیر نظر احسان یارشاطر)، ترجمه: پیمان متین، تهران: امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۸۴، ۸۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۷.

۴۱۷. یزدانی خرم، مهدی، «پرندگان می‌روند در پرو می‌میرند: گزارشی تحلیلی از دوره جدید مهاجرت و انزوای نویسندگان ایرانی»، شهروند امروز، ش ۷، ۲۴ تیر ۱۳۸۶.

۴۱۸. _____، «کشف دوزخ: چوبک ایده رئالیست بودن»، شهروند امروز، ش ۵۴، ۲۳ تیر ۱۳۸۷، ص ۱۲۰.

۴۱۹. یوسفی، غلامحسین، «تنگسیر»، راهنمای کتاب، س ۶، ش ۹، آذر ۱۳۴۲، صص ۶۷۰-۶۷۶. و نیز: برگ‌هایی در آغوش باد، ج ۲، (نقد تنگسیر)، تهران: علمی، چاپ دوم، ۱۳۷۲، صص ۴۰۵-۴۱۵. و نیز: دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۱۹۱-۱۹۳. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۴۶۵-۴۷۴.

۴۲۰. یونس، ابراهیم، هنر داستان‌نویسی، تهران: سهروردی،

۱۳۸۰، صص ۵۱۷-۵۳۸.

۳۸۹. _____، «صادق چوبک در یک نگاه»، کلک، دوره جدید، ش ۲۵، پیاپی ش ۱۴۵، اسفند ۱۳۸۲ و فروردین ۱۳۸۳، صص ۱۴-۱۵.

۳۹۰. _____، هشتاد سال داستان کوتاه ایرانی، ج اول، تهران: کتاب خورشید، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۹۱-۱۰۳.

۳۹۱. _____، «صادق چوبک»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، جلد ۲، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص ۶۰۷-۶۱۰.

۳۹۲. _____، در ستایش داستان، تهران: چشمه، چاپ اول، ۱۳۸۹، صص ۴۳-۴۶.

۳۹۳. میرمظفری، اسماعیل، «چهره چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۲۴۲.

۳۹۴. میلانی، عباس، معمای هویدا، تهران: اختران، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۶، ۲۲۱، ۲۴۶، ۳۳۵، ۵۱۰.

۳۹۵. میلر، دبورا، «بررسی داستان‌های کوتاه صادق چوبک»، ترجمه شهلا معصوم‌نژاد، یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۷۹-۸۸.

۳۹۶. ناقد، خسرو، «بر بال‌های کتاب»، کلک، ش ۸۵-۸۸، فروردین-تیر ۱۳۷۶، ص ۳۳۱.

۳۹۷. نامه فرهنگستان، «بازنهاد واقعیت» (مسیر داستان‌نویسی در دوره بین پایان جنگ جهانی دوم و انقلاب اسلامی ایران، با معرفی صادق چوبک، جلال آل احمد، هوشنگ گلشیری)، نامه فرهنگستان (ضمیمه)، ش ۲۹، صص ۳۸-۷۸.

۳۹۸. نفیسی، آذر، «داستانی ذهنی، روان‌شناختی» (بررسی ادبی داستان بعدازظهر آخر پاییز، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۲۵-۲۲۸. و نیز: یاد صادق چوبک، علی دهباشی، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۱۱-۲۱۸).

۳۹۹. _____، «زبان داستانی صادق چوبک در سنگ صبور»، نقد آگاه، بهار ۱۳۶۳، صص ۶۱-۸۴.

۴۰۰. نفیسی، پرویز، «زن در آثار صادق چوبک»، دفتر هنر، س ۲، ش ۳، اسفند ۱۳۷۳، صص ۲۱۷-۲۱۹.

۴۰۱. نکوروح، حسن، «داستان‌های صادق چوبک، راهی از شناخت به سوی اندیشه‌ها» (۱)، نگین، ش ۱۲۵، ۳۰ مهر ۱۳۵۴، صص ۱۵-۱۸.

۴۰۲. _____، «داستان‌های صادق چوبک، راهی از شناخت به سوی اندیشه‌ها» (۲)، نگین، ش ۱۲۶، ۳۰ آبان ۱۳۵۴، صص ۲۷-۳۵.

۴۰۳. نگین، «مباحثه علی اصغر ضرابی با دکتر مصطفی رحیمی» (درباره صادق چوبک)، نگین، ش ۸۲، اسفند ۱۳۵۰، ص ۲۰.

۴۰۴. نوروزیان، مسعود، افسانه صحتی و شادمان شکروی، «بررسی برخی وجوه اشتراک و افتراق داستان‌های کوتاه صادق چوبک و ارنست همینگوی»، زبان و ادبیات فارسی، ش ۲، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۲۴.

پی‌نوشت

* Mrahbarian86@gmail.com

۱. با وجود آنکه چوبک سپرده بود «بردن دوربین عکاسی و فیلمبرداری در ملاقات‌هایش ممنوع است»، ولی زمانی که منیرو روانی‌پور (متولد ۱۳۳۳ش) داستان‌نویس بوشهری در سفر آمریکا در سال ۱۳۷۲ سه بار به ملاقات چوبک می‌رود، از چوبک اجازه گرفتن عکس می‌گیرد و این نویسنده بوشهری گویا آن‌قدر برای چوبک عزیز بود که به او گفت: «بگیر... فیلم و عکس هر آنچه دوست داری» (روانی‌پور، ۱۳۷۲: ۴۴).

۲. این عبارت بخشی از شعر «سوره تماشا» است که سپهری به دلایلی که خود می‌خواست، به هنگام چاپ هشت کتاب، سطرهایی از آن را حذف کرد. ولی شهرت این شعر در جامعه چندان است که آن را همانند مَثَل سایر درآورده است.

۳. به‌عنوان نمونه می‌توان به شعر بی‌وزن «ره‌آورد» (از مجموعه چرخ‌آخِر) اشاره کرد که چوبک، شاه ایران را بعد از بازگشتش از سفر آمریکا (۲۷ فروردین ۱۳۴۱) به قصد تصویب و اجرای اصلاحات ارضی که بعدها به‌همراه بندهای دیگر از آن به‌عنوان «انقلاب سفید شاه» یاد می‌شد، با صفت «بلاجوی پیروز» یاد کرده است. چوبک، در آغاز این منظومه، نحوه استقبال کاسه‌لیسان از «بلاجوی پیروز» را با ژرف‌ساختی کنایی و استعاری به‌خوبی توصیف می‌کند. در این شعر منظور از «سمند پولادین سوار» هواپیما و «پیشوزیان» ساده‌دلانی است که به استقبال شاه آورده شده بودند. همچنین مُراد از «برگان به‌پیش‌راننده» سیاه‌لشکرانی است که می‌بایست به مراسم پیشوز می‌رفتند و گرنه با قطع حقوق یا اخراج مواجه می‌شدند. او دسته‌گل‌های مراسم پیشوز را «موردهای مُرده» می‌نامد (ملکی، ۱۳۷۰: ۱۶۸). سطرهای آغازین این سروده چنین است:

بلاجوی پیروز / سرمستِ شراب خون / بر سمند پولادین سوار / از سفری دراز / به دیار خویش رسید / پیشوزیان / گرسنه و دردمند / گریان و مُستمند / نه، به پای خویش، به پیشوز آمده / بل، چون برگان به‌پیش‌راننده / موردهای مُرده / و غنچه‌های پژمرده / در دست / سر راه بلاجوی پیروز صلب‌بسته / کوس حنجره‌ها غزان / «پیروز آمد، پیروز آمد» / پس روید، پیش روید / کور شوید / کُر شوید / کرنش کنید، خاک بوسید / «پیروز آمد، پیروز آمد».

طرفه آنکه شعر «ره‌آورد» نخستین‌بار در مجله کاوش (شماره ۴، خرداد ۱۳۴۱، صص ۱۲-۱۶) نشریه‌ای وابسته به شرکت نفت ایران که صاحب‌امتیازش امیرعباس هویدا بود، به چاپ رسید، بی‌آنکه گردانندگان مجله یا سانسورچیان دولتی به محتوای سیاسی و طعنه‌آمیز آن پی ببرند. این شعر می‌تواند یادآور شعر «با چشم‌ها»ی احمد شاملو باشد که در آنجا نیز، شاعر، خوش‌باورانی را که به تأیید و مداحی «آفتاب دروغین» (انقلاب سفید شاه) برخاستند، با لحنی طنزآلود به‌سُخره می‌گیرد (رک: مجموعه آثار احمد شاملو، دفتر یکم، صص ۶۵۳-۶۵۸).

۴. در افسانه‌ها آمده است که ققنوس مرغی است خوش‌رنگ و خوش‌آواز که منقار او سیصدوشصت سوراخ دارد، بر کوه بلندی در مقابل باد می‌نشیند و صداهای عجیب از منقار او برمی‌آید. گفته‌اند که هزار

سال عمر می‌کند و چون سال هزارم به‌سر می‌آید، عمرش به آخر می‌رسد. آن‌گاه هیزم فراوانی گرد می‌آورد و بر بالای آن می‌نشیند و سرودن آغاز می‌کند و مست می‌گردد و بال برهم می‌زند؛ بدان‌گونه که آتش از بال او می‌جهد و در هیزم می‌افتد و او در آتش خود می‌سوزد و از خاکسترش تخمی حادث می‌گردد و از آن ققنوسی دیگر پدید می‌آید. گفته‌اند که او جفتی ندارد و موسیقی را از آواز او دریافته‌اند. در منطق‌الطیر عطار، زندگی و مرگ ققنوس به‌زیبایی به نظم کشیده شده است (رک: عطار، ۱۳۷۰: ۱۲۹-۱۳۱).

کتاب‌نامه

- اصلانی (همدان)، محمدرضا، ۱۳۸۳، صادق چوبک (چهره‌های قرن بیستمی ایران). تهران: قصه.
- الهی، صدرالدین، ۱۳۷۳، «با صادق چوبک در باغ یادها»، دفتر هنر (ویژه‌نامه صادق چوبک)، س ۲، ش ۳، ۲۵۷-۲۶۳. اسفند ۱۳۷۳، نیوجرسی (آمریکا): انجمن فرهنگی و اسانندوستی ایرانیان.
- براهنی، رضا، ۱۳۷۷ الف، «تجدد و روایت حرام‌زادگی در آثار چوبک (۱)»، آدینه، ش ۱۲۸، صص ۱۱-۱۳. (بخش‌های دوم و سوم این مقاله در آدینه، ش ۱۲۹، صص ۳۲-۳۴ و ش ۱۳۱، صص ۲۰-۲۴ چاپ شده است).
- بنیاد، ۱۳۵۶، «ویژه صادق چوبک»، بنیاد، س ۱، ش ۲.
- چوبک، صادق، ۱۳۵۱، خیمه‌شب‌بازی. چاپ چهارم، تهران: جاویدان.
- _____، ۱۳۵۴، روز اول قبر. چاپ پنجم، تهران: جاویدان.
- _____، ۱۳۵۶، سنگ صبور. چاپ پنجم، تهران: جاویدان.
- _____، ۱۳۷۳، «دیروز»، دفتر هنر (ویژه‌نامه صادق چوبک).
- س ۲، ش ۳، صص ۱۵۷-۱۶۲. اسفند ۱۳۷۳، نیوجرسی (آمریکا): انجمن فرهنگی و اسانندوستی ایرانیان. (این مقاله بخشی است فشرده از زندگی‌نامه صادق چوبک به قلم خود او)
- خسروشاهی، جلال، ۱۳۷۵، ادای دین به سهراب سپهری. تهران: به‌نگار.
- دهباشی، علی، ۱۳۸۰، یاد صادق هدایت. تهران: ثالث.
- رحمانی، نصرت، «دراز‌نای سه شب پر گو»، دفتر هنر (ویژه‌نامه صادق چوبک)، س ۲، ش ۳، صص ۱۹۵-۲۰۳. اسفند ۱۳۷۳، نیوجرسی (آمریکا): انجمن فرهنگی و اسانندوستی ایرانیان.
- روانی‌پور، منیرو، ۱۳۷۲، «قلبه‌ماهی، دال عدسی و چرا دریا طوفانی شد؟!»، گردون، س ۴، ش ۳۳ و ۳۴.
- سپهری، سهراب، ۱۳۷۹، هشت کتاب. چاپ دوم، تهران: طهوری.
- عطار نیشابوری، فریدالدین، ۱۳۷۰، منطق‌الطیر (مقامات طیور). به‌اهتمام سید صادق گوهرین. چاپ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی.
- کاخی، مرتضی، ۱۳۸۴، گفت‌وگوی شاعران (مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، م. آزاد تهرانی، گرداری تیکو). تهران: زمستان.
- ملکی، حسین (ح. م. زاوش)، ۱۳۷۰، دولت‌مردان ایران و ساختار نهادهای در عصر مشروطیت، ج ۲. تهران: اشاره.
- میلانی، عباس، ۱۳۸۰، معمای هویدا. تهران: اختران.